



انترناسیونال ۳۵۶

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش
بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۸ تیر ۱۳۸۹، ۹ ژوئیه ۲۰۱۰

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: کاظم نیکخواه

زنده باد ۱۸ تیر!



**تظاهرات و گردهمایی اعتراضی علیه جمهوری اسلامی در
سالگرد ۱۸ تیر، ۹ ژوئیه**
در مالمو، گوتنبرگ، استکهلم، فرانکفورت، اتاوا،
ونکور، اسلو، سوئیس، سیدنی، صفحه ۱۱

کارگر زندانی آزاد باید گردد!

اعلام کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران، صفحه ۹
مصاحبه با شهلا دانشفر
صفحه ۸

صفحات دیگر

گوشه هایی از ابعاد جهانی کمپین برای نجات جان
سکینه محمدی آشتیانی صفحه ۱۰

۱۸ تیر: جهان علیه رژیم سنگسار و اعدام!

کمیته بین المللی علیه اعدام - صفحه ۱۳
طرح جدید عفاف و حجاب جمهوری اسلامی را هم در هم
میشکنیم صفحه ۱۳

آزادی بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی اولین خواست

تظاهرات در لندن! هیجدهم تیر است صفحه ۹
سخنی با شما! ما میتوانیم سکینه را نجات دهیم!
مینا احدی، صفحه ۱۴

خطاب به مردم شیراز! مردم آزادیخواه شیراز به یاری

محمدرضا حدادی خیزد صفحه ۱۳

اخباری از اعتراضات کارگری در ایران صفحه ۱۰

گزارش شب همبستگی با کارگران زندانی و زندانیان سیاسی
در شهر مالمو جمعه ۲ جولای - صفحه ۱۰

به همگان فراخوان میدهم که به نجات سکینه بشتابند

گفتگو با مینا احدی در مورد کمپین علیه سنگسار سکینه
محمدی آشتیانی

انترناسیونال: مینا احدی
بازهم يك حکم سنگسار و کمپین
و کارزار جهانی علیه آن. میدانم
برای شما که سرنوشت زنانی را در
آستانه قربانی شدن به شیوه
ای دردناک و به شیوه عهد عتیقی
دنبال میکنید، با فرزندان و
بستگان آنها در ارتباط هستید و
صفحه ۳

آتش مهارنشدنی

جنبش علیه اعدام و سنگسار گام بزرگی به جلو برداشت
اصغر کریمی، صفحه ۶

پاسخ به اطلاعاتیه مطبوعاتی سفارت جمهوری

اسلامی در انگلیس صفحه ۷

جلو آمدن دو چهره سوسیالیست در خلال یک جنبش جهانی

هادی وقفی، صفحه ۷

بازتاب هفته

دانشگاه آزاد و احکام خامنه ای:

نزاع ادامه دارد

بهرروز مهر آبادی

اصل نظام در خطر

یاشار سهندی

فاشیسم اسلامی و بیخانمانی "کودکان افغانی"

در ایران

محمد شکوهی

"خطر" سکولاریسم

محمد شکوهی

صفحات ۵-۴

گرامیداشت منصور حکمت
برجسته ترین متفکر مارکسیست
تاریخ معاصر در کانادا
صفحه ۲

سر سخن

بیاد منصور حکمت

کاظم نیکخواه

۴ ژوئیه سالروز درگذشت منصور
حکمت را این روزها پشت سر گذاشتیم.
هشت سال پیش در ۴ ژوئیه سال ۲۰۰۲ در
چنین روزهایی او را با اشک و اندوه از دست
دادیم. و چه دردناک است که جای او در
شرایط سیاسی امروز ایران، شرایطی که او
بارها با دقت پیش بینی کرده بود، خالی
است. اینکه انقلابی برای به زیر کشیدن
حکومت اسلامی به جریان می افتد و مرد
و زن و پیر و جوان فریاد مرگ بر دیکتاتور و
مرگ بر حکومت اسلامی سر میدهند. و
این هنوز سرآغاز آن تحول تاریخ سازی است
که منصور حکمت در مورد آن بسیار سخن
گفته بود و بدون شك هرچه بیشتر جلو
میروید بیشتر و بیشتر رنگ و بوی منصور
حکمت را به خود خواهد گرفت. وقتی
منصور حکمت در حیات بود، چهره جوان و
موهای سیاهش به همه ما این امید را
میداد که او سالهای سال زنده خواهد بود تا
انقلاب برای به زیر کشیدن جمهوری
منحوس اسلامی را هدایت کند و سخنگوی
آن باشد و در راس يك جنبش عظیم انسانی
جامعه را از دوره سیاه و مشقت بار و
ستمگرانه بورژوازی خلاص کند و به سمت
جامعه ای واقعا انسانی و بری از استثمار و
ستم و بربریت هدایت کند. هرکس که با او
از نزدیک آشنائی داشت بلافاصله این
اطمینان خاطر را پیدا میکرد که چپ
جامعه رهبر جوان و جسور و تیزبینی دارد

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

گرامیداشت منصور حکمت برجسته ترین متفکر مارکسیست تاریخ معاصر در کانادا

اساس سوسیالیزم انسان است. سوسیالیزم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است "منصور حکمت ۲۰۰۲-۱۹۵۱



منصور حکمت (ژوین رازانی)
کسی را که برای همه انسانها زندگی ای بهتر میخواست و
دنیایی بهتر را ترسیم کرد گرامی ی داریم.
ژوین همیشه زنده است زیرا زندگی او با
آزادی و برابری و سوسیالیسم تنیده است.
او در مبارزه، در انقلاب و در هرتلاش
بشریت برای رهایی و خوشبختی جاریست.
در سالروز درگذشت منصور حکمت و در
این روزهای شور و مبارزه و پیشروی
جنبش سرنگونی حکومت اسلامی، پیمان یبندیم که
آرمانش را که آزادی خوشبختی کل بشریت است،
با تمام توان دنبال کنیم. روز چهار ژوئیه روز
درگذشت منصور حکمت دوستداران او گرد هم می آیند.
پیوندهارا تازه میکنند، عزم خودرا جزمتر مینمایند و
خودرا برای نیرو بخشیدن به انقلاب سوسیالیستی
آماده تر میکنند.
منصور حکمت همیشه زنده است

حزب کمونیست کارگری ایران

سخنرانان:

حمید تقوایی لیدر حزب کمونیست کارگری

عساک شکاری: دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ، چپ عراق

زمان: شنبه ۱۷ جولای ۲۰۱۰ ، ساعت ۷ بعداز ظهر

مکان:

S. Walter Stewart Auditorium

170 Memorial Park Ave

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - شرق کانادا

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری چپ عراق - شرق

کانادا- تلفن تماس: 416-471-7138

بیاد منصور حکمت...

از صفحه ۱

که از تمام کاریسم و خصوصیات یک رهبر پرشور و عمیق و انقلابی برخوردار است. با مرگ او یک فاکتور سیاسی به زبان طبقه کارگر و کمونیسم و کل انسانیت از صحنه سیاسی حذف شد. اما او طی حدود بیست سال فعالیت سیاسی اش میراث برآستی ارزشمندی بجای گذاشته است که حذف شدنی نیست. منصور حکمت همیشه از بیرون کشیدن مارکسیسم و کمونیسم از زیر آوار توهّمات و تفکرات بورژوازی و ناسیونالیستی و مذهبی سخن میگفت و برای آن مجدانه تلاش میکرد. آنچه باید گفت این است که او مارکسیسم و کمونیسم مارکس را تنها از زیر این آوار بیرون نکشید بلکه این جنبش انسانی و کارگری را به قرن بیست و یکم عبور داد. آموزه های او و سرخط هایی که در همه جوانب سیاسی باقی گذاشت، تکرار کمونیسم و مارکسیسم مارکس و لنین قرن نوزده و اول قرن بیست نیست. بلکه ادامه آن کمونیسم در قرن یست و یک است. واقعیت اینست که مارکسیسم قرن بیستم عموماً و غالباً با تفکرات و توهّمات و سنتهای ناسیونالیستی و مذهبی و لیبرالی و دموکراتیک الوده شده بود. هیچ رگه ای از کمونیسم قرن بیستم بعد از لنین، از این سنتها



و تفکرات منفک نبود. اغلب جنبش های اعتراضی اقشار غیر کارگری خود را با مارکس و لنین تداعی میکردند و همین نیز خود عاملی برای لوّث کمونیسم شده بود. تمام تلاشهایی که برای خلاص کردن کمونیسم و تئوری و تفکر مارکسی صورت گرفته بود تا این جنبش را از این سنتها و ایدئولوژیها پالایش دهد، خود به ورطه ای از تفکرات طبقات دیگر بجز طبقه کارگر در غلتیده بود. منصور حکمت با "گفراهایش" کمونیسم نوع دیگری را پایه ریزی کرد که دیگر تکرار ساده مارکس و لنین نبود و نیست. بلکه شرایط زمانی امروز و دنیای اواخر قرن بیست و اوایل قرن بیست و یکم را به صحنه کمونیسم وارد کرد. او جایگاه طبقات و جنبشهای اجتماعی را در ارتباط با احزاب و سازمانها فرموله کرد، انقلاب و رفرم و رفرمیسم را سرچای خویش قرار داد، طبقه کارگر را از طبقه ای که ظاهراً هنوز باید طبقات دیگر برایش کمونیسم را به ارمغان آورند و به او بدهند جدا کرد و جنبش های کارگری را زیر ذره بین قرار داد و سوسیالیسم و کمونیسم کارگری را

نمیکرد که در اول قرن بیست و یکم رسانه های بستر رسمی بورژوازی تیتتر بزنند که سرمایه داری به پایان خود رسیده است. یا تیتتر بزنند که "مارکس حق داشت". و این هنوز آغاز ماجراست. چشم اندازی که سرمایه در برابر بشریت قرار داده، تنها مارکس را می طلبید. تفکر و جهان بینی و جنبشی که انسانیت را در برابر توحش و قهقاری سرمایه داری نمایندگی کند. و این جنبش با منصور حکمت ، با کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری حی و حاضر وجود دارد و مارکس و لنین با این جنبش و با این سنت و با منصور حکمت است که میتواند قدرتمند و شفاف به قرن بیست و یکم بازگردد و افق تازه ای را در برابر بشری که افقی در پیش رو ندارد بگشاید.*

جنبشهای سیاسی ایرانی در سطح جهان، او هنوز آنگونه که باید درک و فهمیده نشده است. اما او بر دوش انقلاب در ایران به پیش خواهد آمد. او بر دوش خیزش مجدد چپ کارگری و مارکسی در سطح جهان، مورد مراجعه ای گسترده قرار خواهد گرفت. اگر قبول داشته باشیم که طبقه کارگر و انسانیت در برابر تعرض هرچه مشقت بارتر سرمایه داری معاصر ساکت ننشسته و ساکت نخواهد نشست و اگر قبول داشته باشیم که نظم سرمایه اگر توسط جنبشهای رادیکال و کارگری و انسانی عقب رانده نشود، جهان را هرچه بیشتر به ورطه نابودی و قهقرا و عقب گرد میکشاند، آنگاه بازگشت مارکس و کمونیسم بسیار طبیعی و منطقی بنظر میرسد. بارقه هایش را همین امروز و در هر بحران سرمایه داری میتوان دید. کسی باور

مجموعه ای از مقالات منصور حکمت بصورت یک کتابچه تحت عنوان تاریخ شکست نخوردگان توسط انتشارات مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران منتشر شده است. خوانندگان عزیز را به تکثیر و توزیع هرچه وسیعتر این کتابچه ارزشمند فرا میخوانیم:

تاریخ شکست نخوردگان



۱۰ نوشته از
منصور حکمت

مکز تکثیر از: انتشارات مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

زنده باد سوسیالیسم!



فراخوان میدهم که به هر شکل ممکن به نجات سکینه بشتابند. به حکم سنگسار سکینه با امضا طومار اعتراضی، با تجمع در مقابل زندان و با ارسال نامه به مقامات حکومت اسلامی اعتراض کنند. همه ما مردم در قبال قربانیان این حکومت مسئولیت داریم. نباید ساکت بنشینیم و شاهد جنایت این درندگان عهد عتیقی باشیم.

انترناسیونال: جریانات مختلف سیاسی ایرانی چه برخوردی با این پرونده دارند؟

مینا احدی: جریانات ایرانی بنظر من در مجموع با سکوت و "شکیبایی" تمام به این موضوع برخورد کردند. تصور کنید که یک فیلم کوتاه از موضوع سنگسار سکینه با تاکید زیاد روی فعالیتهای ما، را یک و نیم میلیون نفر تماشا میکنند، هزاران نامه اعتراضی از سوی مردم دنیا برای خامنه ای، لاریجانی و احمدی نژاد ارسال میشود و مباحثات داغی در همه جا در مورد سنگسار در جریان است و فعالین و اپوزیسیون حکومت اسلامی، در نهایت بخشی از خبر را آنهم با پاک کردن اسم من و یا اسم کمیته علیه سنگسار، به نقل از دیگران منتشر میکنند! چه

موضوعی مهمتر از این و چه فرصتی مناسب تر از این فراهم است که در مورد سبعت جنبش اسلامی و اسلام سیاسی و جنایات حکومت اسلامی افشا گری شود؟ چه زمانی گوشها از این بیشتر باز خواهد شد؟ کمپین نجات سکینه اساسا از سوی کمیته بین المللی علیه سنگسار و با همکاری فشرده یک تیم، پیش میرود. اینجا اجازه میخواهم از همه دوستانی که شبانه روزی کمک کردند این کمپین پیش برود، صمیمانه تشکر کنم. احزاب و سازمانهای اپوزیسیون حکومت اسلامی بنظر من شاید بدلیل اینکه، این کمپین با حزب ما حزب کمونیست کارگری تداعی میشود، به سرنوشت دردناک سکینه هم بی لطفی کرده و در این مورد سکوت کردند. برخی سایتها اسم من و یا کمیته علیه سنگسار را سانسور میکنند که مبادا در این میان محبوبیت و اعتبار حزب کمونیست کارگری از اینهم بالاتر

به همگان فراخوان میدهم که ...

خانم کاترین اشتون نماینده ارشد اتحادیه اروپا، رسماً به جمهوری اسلامی ایران اعتراض کرده است. این نحوه اعتراض یعنی فراخواندن سفیر و اعتراض فوری و رسمی، در کشورهای دیگر نبوده است. بنظر من این موضوع باید اتفاق بیفتد و ما سعی خواهیم کرد، با تماس گرفتن با دولتها از آنها بخواهیم همین کار را بکنند. ولی نماینده ارشد اتحادیه اروپا خانم اشتون، با ارسال نامه ای و تماس گرفتن با مقامات حکومت اسلامی به سنگسار سکینه رسماً اعتراض کرده است. طبعاً باید بدانیم که هر چه ابعاد کمپین گسترده تر میشود و هر چه مردم خودشان را بیشتر سهیم و دخیل میکنند، دولتها نیز مجبور میشوند شدیدتر عکس العمل نشان دهند.

انترناسیونال: انعکاس این کارزار در ایران چگونه است؟ طبعاً عکس العمل مردم در شرایط فعلی ساده نیست. اما فکر نمیکنید بشود در داخل ایران هم کارزار را به جریان انداخت؟

مینا احدی: مردم ایران قربانیان سی و یکساله حکومت سنگسار هستند. کم نیستند خانواده هایی که در خلوت خود شاهد سنگسار شدن عزیزانشان بوده و متأسفانه بدلیل فرهنگ مردسالارانه و ناموس پرستی و ... در مورد این فاجعه کمتر حرف میزنند و به نوعی با شرم و ناراحتی، این موضوعات را مطرح میکنند. ولی سنگسار یک اتفاق وحشتناک و یک بربریت و وحشیگری کامل است و در ایران یک نفرت عظیم علیه این سبعت حکومت اسلامی وجود دارد. بنظر من میتوان و باید بیش از اینها در ایران به سنگسار اعتراض کرد و باید سرگذشت قربانیان را علنی کرد و د رمورد آنها حرف زد و مهمتر باید به داگاههای بین المللی شکایت کرد. من از این فرصت استفاده میکنم و از خوانندگان این نشریه در ایران دعوت میکنم که اگر اخبار و اطلاعاتی در مورد سنگسار شدگان دارند، با ما تماس بگیرند. در عین حال از مردم ایران و بویژه مردم تبریز

پشتیبان و توجه جهانی بگویند.

مینا احدی: دقیقاً همینطور است که میگویند. من با هر حکم اعدام و سنگساری نگرانی و دردی عمیق وجودم را میگیرد، چهره بستگان قربانیان جلوی چشم کنار نمیروند و طیش قلبم با لحظات و رویدادهای آن بالا و پایین میرود. اما این جای دلگرمی و امیدواری بسیار دارد که تلاشهایمان نتیجه میدهد. جهان هرروز بیشتر علیه این جنایتکاران منفور بسیج میشود. این روزها خبر حکم سنگسار سکینه محمندی آشتیانی و فعالیتهای ما، به نوعی در صدر اخبار جهان بود. صدها رسانه بین المللی در مورد این حکم و زندگی سکینه و نامه فرزندان او نوشتند و یا در این مورد حرف زدند. به عنوان مثال سی ان ان سه روز تمام در بخش اخبار این موضوع را بررسی کرد و یکی از همکاران سی ان ان به من گفت اولین فیلم که در مورد سکینه و فعالیتهای من بود، از طرف یک و نیم میلیون نفر دیده شده و یک رکورد در این رسانه بجا گذاشته شده، گروه فیس بوک بعد از این رپرتاژ ۱۰۰۰۰ نفر عضو دارد و تا کنون ۶۰۰۰ نامه اعتراضی به دست مقامات حکومت اسلامی رسیده است. گزارشات در رسانه های بین المللی به زبانهای مختلف است. از استرالیا و آمریکا و انگلیس تا چین و ژاپن و تا ترکیه و کشورهای عرب زبان در مورد این موضوع نوشتند. و من میتوانم بگویم این یک کمپین بسیار گسترده و با انعکاس فوق العاده وسیع است. ما نامه ها زیادی گرفته ایم که از ما میپرسند چه کمکی میتوانیم بکنیم و مردم زیادی خود را در احساسات و عواطف فرزندان سکینه و نگرانی ما سهیم میدانند.

انترناسیونال: در اخبار خواندیم که سفیر جمهوری اسلامی در نروژ توسط دولت این کشور فراخوانده شده و به حکم سنگسار سکینه آشتیانی اعتراض شده. آیا سایر دولتها عکس العملی نشان نداده اند؟

مینا احدی: بله تا کنون دولت کانادا رسماً اعتراض کرده و همچنین

برود! این نمونه بارز سکتاریسم است و متأسفانه بنظر من تأثیرات منفی در مبارزه ما علیه سنگسار دارد.

انترناسیونال: چقدر امیدوارید که بشود جلوی این حکم وحشیانه را بطور واقعی گرفت؟ فرزندان سکینه در چه وضعیتی بسر میبرند؟

مینا احدی: بنظر من شانس پیروزی در این پرونده زیاد است. بدلیل اعتراضات گسترده جهانی.

ده خواست فوری مردم!

حزب کمونیست کارگری بمنظور قدرت گیری هر چه بیشتر جنبش انقلابی مردم، تثبیت دستاوردهای آن، و تسهیل پیشروی آن در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی مفاد زیر را بعنوان ده خواست فوری و حداقل مردم اعلام میدارد:

- ۱- بازداشت و محاکمه علنی آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته
 - ۲- آزادی زندانیان سیاسی
 - ۳- لغو مجازات اعدام
 - ۴- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی
 - ۵- لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان. برابری کامل حقوق زن و مرد
 - ۶- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
 - ۷- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب
 - ۸- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت
 - ۹- محاکمه آیت الله ها و مقامات حکومتی و ایادی آنان بجرم غارت و چپاول اموال مردم و باز پس گرفتن اموال غارت شده از آنان
 - ۱۰- تأمین و تضمین یک زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع برای همه شهروندان. افزایش فوری حداقل دستمزد و حقوق به یک میلیون تومان
- این فرمان جنبش آزادخواهانه مردم است. اینها خواستههای حداقل و فوری مردمی است که در صفوف میلیونی به خیابان آمده اند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده اند. این حداقل شرایطی است که هرکس که داعیه همگامی با اعتراضات مردم را دارد باید از آن دفاع کند.
- مردم ایران برای تحقق این خواستها و سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت به مبارزه خود ادامه خواهند داد. حزب کمونیست کارگری ایران
- ۵ تیرماه ۱۳۸۸، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

بازتاب هفته

اصل نظام در خطر

یاشار سهندی

هفته گذشته مهدوی کنی به دیدار محمد یزدی در قم رفت تا عقل هایشان را روی هم بریزند تا شاید بتوانند "اصل نظام" را نجات دهند. چرا که به گفته‌ی راوی خبر (سایت خبر آنلاین): "افرادی که در انقلاب (بخوان ضد انقلاب) سابقه و نامی دارند يك مقداری (!؟) نگران مسائل روز هستند و از اختلافاتی که بین اصولگرایان در اندیشه یا عمل یا در برخورد ها وجود دارد، نگرانی دارند. همین مساله آنها را به فکر انداخته است که بنشینند برای این موضوع ها فکری نکنند چرا که ما در طی همه سالهای گذشته همیشه گرفتار افراط و تفریط بوده ایم. این هر دو ناصحیح است. ما در انقلاب هم خدمات و رشد داریم و هم مشکلات جدی و عمیق کهنه. همین منبع تاکید میکند: "در شرایطی که موریانه های تفرقه، اتهام و سوء ظن به در پایه های اصولگرایی لانه کرده اند آنچه پیر در خشت خام می بینند سیاسیون تازه به دوران رسیده تصویری هم درباره نتایج آن ندارند. اینجا است که انتلاف روحانیت تبدیل به میدان و فرصتی برای سامان دادن به اوضاع آشفته ای می شود که اگر دیرتر به فکر آن بیافتم خیلی دیر شده است. "چرا که به گفته همین سایت: "دل نگرانی برای اصل نظام و انقلاب به دغدغه اصلی جامعین (جامعه روحانیت مبارز و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم) تبدیل شده است. "ظاهرا نشست این دو به این منجر شده است که کمیته ای تشکیل دهند تا "اختلافات میان خود" را کاهش دهند. آنچه این پیران در "خشت خام مینند" که "سیاسیون تازه به دوران رسیده" (باند احمدی نژاد) از نظر آنها نمی بینند، خطر سقوط قریب الوقوع حکومت سیاه اسلامی است. "جامعه روحانیت مبارز" یکی از ارکان اصلی این حکومت جنایت و تباهی بوده است. مهدوی کنی و محمد یزدی تمام عمر شان در خدمت به سازماندهی این حکومت سفاک بوده است و حالا شاهد هستند که دارد همه چیز بر باد می رود. احمدی نژاد دست پخت همین تشکلات بشدت ارتجاعی است. احمدی نژاد به جلوس صحنه رانده شد تا شاید "سونامی" به پا کند و آب رفته را

بساط جنایتکاری اینها را در هم کوبند. تفرقه میان ایشان حاصل مبارزات مردم است. آیا موفق خواهند شد که این مردم را سرکوب کنند؟ سوال این است چگونه؟ اینها تاکنون هر روشی که به ذهن يك انسان جانی می رسد امتحان کرده اند اما همه بر ضد خود تبدیل شد. سایت خبر آنلاین در ابتدا گزارش خود تاکید میکند: "رویدادهای مهم همیشه با صدای بلند و جارو جنجال رخ نمی دهد" اما حقیقت این است که در یکسال گذشته رویدادی مهمی با صدای بلند فریاد زده است که دیگر حکومت الله به روی زمین کافی است و بشارت عظیمی داده است که انسان سرنوشت خود را بدست میگیرد و تلاش حقیرانه از این دست آب در هاون کوفتن است. *

دانشگاه آزاد و احکام خامنه ای: نزاع ادامه دارد



بهروز مهر آبادی

روز دوشنبه ۱۴ تیر خامنه ای با صدور دو حکم جداگانه برای احمدی نژاد رئیس دولت و هاشمی رفسنجانی رئیس هیئت امنای دانشگاه آزاد تلاش کرد که به ماجرای دانشگاه آزاد پایان دهد و اوضاع را به قبل از دعوا برگرداند. او به زبان آخوندی به هردو طرف گفت که به این منبع عظیم ثروت دست نزنید. اما کیست که نداند که دیگر تیغ او برشی ندارد و وقتی که موضوع دعوا یعنی ثروت میلیاردها دلاری دانشگاه آزاد سرچایش باقی است، دعوا فروکش نخواهد کرد؟ دانشگاه آزاد در سال ۱۳۶۰ تأسیس شد و هیات موسس آن رفسنجانی، موسوی اردبیلی، عبدالله جاسبی، احمد خمینی و میرحسین موسوی بودند. ریاست دانشگاه آزاد از ابتدا با عبدالله جاسبی بود. با حمایت دولت و با استفاده از امکانات وسیع دولتی در طول حکومت رفسنجانی و موسوی و خاتمی، دانشگاه آزاد بصورت يك نهاد قدرتمند در آمد. دانشگاه آزاد بجز ایران در کشورهای دیگر هم شعباتی دایر کرده است و تعداد کارکنان آن به بیش از شصت هزار نفر بالغ می شود. کمبود امکانات آموزشی، جمعیت جوان ایران، بیکاری و روی آوری جوانان

های خودش را جلوی مسجد و دانشگاه آزاد فرستاد و دعوی دو طرف بالا گرفت. دولت عملاً در مقابل دو نهاد قوه قضائیه و مجلس قرار گرفت. دعوی دانشگاه آزاد شکاف عظیم بین وفادارترین عناصر رژیم را به روشنی نشان داد. ادامه این دعوا در متن جنبش انقلابی مردم می توانست به از هم پاشیده شدن پایه های متزلزل رژیم منجر شود. در عرض فقط چند روز مصوبه مجلس و رای دادگاه جمهوری اسلامی پس گرفته شد. احکام شرعی از طرف خود متشرعین به لجن کشیده شد. نشان داده شد وقتی که دعوا بین حکومتیان بالا می گیرد کسی برای خامنه ای رهبر تره هم خرد نمی کند. جدال بر سر دانشگاه آزاد نشان داد که در درون حکومت صف ها و جناح بندی ها دائماً در حال تغییر است. در مقابل دولت جناح مقابل هم دارای قدرت است و از منافع خود کوتاه نمی آید و می تواند حرف خود را به کرسی بنشاند. این کشمکش سران رژیم را به وحشت انداخت و ترجیح دادند که سر و صدا را بخواهاند. خامنه ای طی نامه های جداگانه برای احمدی نژاد و رفسنجانی خواست به دوره قبل از دعوا برگردند. هم وقف دانشگاه آزاد از طرف باند رفسنجانی و هم اجرای اساسنامه جدید از طرف شورای عالی فرهنگی متوقف شود. خامنه ای با صدور این احکام به قول خودش خواست به "بحث های ملال انگیز" پیرامون دانشگاه آزاد خاتمه دهد. بحث هایی که می تواند خطری جدی برای موجودیت نظام باشد. اما غیرممکن به نظر می رسد که کشمکش جناحهای حکومتی پایان بگیرد. صدور دو حکم جداگانه برای رفسنجانی و احمدی نژاد نشان می دهد که این دو جناح نمی توانند با هم کنار بیایند و این جدال با حذف و نابودی يك جناح ادامه خواهد داشت. يك عضو شورای انقلاب فرهنگی اعلام کرده که "اساسنامه جدید بزودی و با استحکام بیشتری اجرا خواهد شد. یعنی این کشمکش ادامه خواهد یافت. دعوی دو جناح در متن ناراضیاتی عظیم مردم و در بستر يك جنبش عظیم انقلابی شکل گرفته است. بازگشت به دوره قبل از دعوا نمی تواند بجز خواب و خیالی برای رژیم باشد. این نزاع ها و کشمکش ها نشان از سردرگمی و ضربه پذیری رژیم اسلامی و بخشی از روند سرنوشتی آن است. *

به تحصیل دست به دست هم داد تا دانشگاه آزاد با گرفتن شهریه های سنگین از دانشجویان ثروت هنگفتی برای دست اندرکاران خود فراهم آورد. ثروت و درآمدی که تحت هیچ حساب و کتاب و ضابطه ای نیست. دانشگاه آزاد از ابتدا تحت تسلط هاشمی و رفسنجانی و یارانش بود. پس از روی کار آمدن احمدی نژاد و شکل گیری جناح بندی های جدید در درون حکومت اسلامی، ثروت و درآمد کلان این نهاد و ارزش سیاسی آن توجه جناح احمدی نژاد را برانگیخت. ارزش اموال دانشگاه آزاد بین چهل هزار میلیارد تا دویست و پنجاه هزار میلیارد تومان برآورد شده است (بسته به اینکه کدام جناح این ارزیابی را داشته است). چشم طمع داشتن جناح احمدی نژاد به دانشگاه آزاد، رفسنجانی و دار و دسته اش را به فکر چاره انداخت و برای کوتاه کردن دست دولت تصمیم به وقف اموال دانشگاه آزاد گرفتند. به این وسیله از طرف هیات موسس فعلی که در راس آن هاشمی و رفسنجانی و عبدالله جاسبی هستند، متولی و متولیانی برای اداره دانشگاه آزاد تعیین می شود و دولت نمی تواند شرعاً دخالتی در امور اموال وقف شده داشته باشد. وقف نامه در چهارم شهریور ۱۳۸۸ تصویب شد. اما برداشتن این کلاه شرعی برای جناح مقابل کار سختی نبود. طرف مقابل هم دست به حمله متقابل زد. به احکام شرعی متوسل شد و صحت وقف دانشگاه آزاد را زیر سوال برد. روز پنجم اردیبهشت ۸۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی "به ریاست محمود احمدی نژاد اساسنامه ای برای دانشگاه آزاد تصویب کرد که بر اساس آن مدیریت آن به يك دوره چهارساله محدود می شود و اداره امور مالی آن تحت نظارت این شورا قرار می گیرد. به فاصله کوتاهی دادگاهی در تهران این مصوبه را لغو کرد و بدنبال آن مجلس کلیات طرحی را تصویب نمود که مصوبه شورای عالی فرهنگی در مورد تغییر اساسنامه دانشگاه آزاد لغو می شود و در روز ۳۰ خرداد برخلاف تمایل خامنه ای به وقف دانشگاه آزاد رای داد. رفسنجانی از میرحسین موسوی برای شرکت در جلسه هیات موسس دانشگاه آزاد دعوت نمود و نماینده دولت را به جلسه راه نداد. شورای نگهبان مصوبه مجلس را رد کرد و رئیس قوه قضائیه ناچار به معلق گذاشتن رای دادگاه شد. جناح احمدی نژاد گروه لباس شخصی ها و بسیجی

بازتاب هفته

فاشیسم اسلامی و بیخانیانی "کودکان افغانی" در ایران



محمد شکوهی

در خبرها آمده بود که نزدیک به ۴۰۰ هزار کودک افغانستانی در ایران در معرض آسب های اجتماعی قرار دارند. همین اول باید تاکید کنیم که این کودکان حتی با تعبیر رایج اکثرا افغانی یا افغانستانی نیستند بلکه اکثر آنها در ایران متولد شده و رشد کرده اند. به همین دلیل "کودکان افغانی" را باید در گیومه گذارد. بگذریم که حتی اگر زاده افغانستان یا هر کشور دیگری هم باشند باید در هر جایی که زندگی میکنند بلون قید و شرط از حقوق و امکانات و زندگی انسانی برخوردار شوند. در همین مورد خبرگزاری حکومتی ایلنا به نقل از یک فعال حقوق کودک گزارشی از وضعیت این کودکان منتشر کرده است. ایلنا نوشت: "سرگردانی ۴۰۰ هزار کودک پناهنده افغان در ایران". ۴۰۰ هزار کودک پناهنده افغان در کشور در معرض آسیب هستند و به حداقل امکانات حمایتی در ایران دسترسی ندارند. اغلب این کودکان دچار بیماری و سوء استفاده های شدیدی می شوند که رسانه ها مطلع نبوده و هرگز فاش نمی شوند. حتی هیچ گونه آماری هم در مورد آسیب های وارد شده به این کودکان وجود ندارد. آنها از امکانات تحصیلی و بهداشتی محروم هستند. این کودکان که از امکانات تحصیلی و بهداشتی محروم هستند، روزانه در سطح شهر و خیابان های شهرها و روستاها به فال فروشی و سایر مشاغل سخت در کارگاه ها مشغول هستند که از حداقل امکانات و حقوق برخوردارند. دولت تانگون در قبال دریافت پول از کودکان افغان، ۲۵۰ هزار نفر از آنها را در مدارس ثبت نام کرده است اما

کودکان دیگر توانایی پرداخت ۱۰۰-۵۰ هزار تومان شهریه را ندارند ۴۰۰ هزار کودک در بدترین شرایط زندگی کرده و مشکلات کودک آزاری، سوء تغذیه، بیماری و سایر معضلات در میان آنها وجود دارد. بر اساس آمارو ارقام منتشر شده از طرف "اداره امور اتباع بیگانه" وزارت کشور رژیم بیش از ۲ میلیون پناهنده و مهاجر افغانستانی در ایران کار و زندگی می کنند. این آمار به اعتراف مقامات حکومتی کامل نبوده و تعداد واقعی بالای ۳ میلیون نفر می باشد. در طول سالیان گذشته سیاست ضد انسانی و فاشیستی و سرکوبگرانه جمهوری اسلامی، بویژه تبلیغات کثیف ناسیونالیستی - اسلامی در باره "افغانی ستیزی" میلیون ها انسان بیش از سه دهه است به دلیل حاکمیت احزاب و جریان های تروریستی اسلامی و جنگ دار و دسته های رنگارنگ احزاب اسلامی، ناچار به ترک افغانستان شده و در ایران مورد وحشیانه ترین و ضد انسانی ترین سرکوب ها و تحقیر های رسمی حکومتی قرار داشته و دارند. سیاست های ضد انسانی جمهوری اسلامی در ایجاد محدودیت برای اقامت، کار، حق تحصیل، اسکان و برخورداری از حداقل امکانات معیشتی، در کنار تصویب قوانینی نظیر ممنوعیت اشتغال، تحصیل، ازدواج، اسکان، زندگی بیش از ۳ میلیون انسان و در میان آنها نزدیک به یک میلیون کودک را به تباهی و نیستی تبدیل کرده است. گزارش مورد نظر ایلنا فقط مربوط به وضعیت کودکان ثبت شده در آمارهای حکومتی و مقیم تهران می باشد. آمارهای واقعی نزدیک به ۷۰۰ هزار نفر کودک می باشد. صدها هزار کودک که در ایران بدنیا آمده، خانواده هایشان آنجا در بدترین و غیر انسانی ترین شرایط کار کرده در بدترین و غیر انسانی ترین شرایط سیاسی و اقتصادی و اجتماعی زندگی شان تباه شده و به مرگ تدریجی محکوم شده اند. مسئول این وضعیت حکومت جمهوری اسلامی و قوانین ضد انسانی آن می باشد. این حکومت ۳ میلیون انسان

را محکوم به زندگی در بدترین شرایط همراه با سرکوب و اعدام و زندان کرده است. سیاستهای راسیستی-اسلامیستی و ناسیونالیستی این رژیم در برخورد به این جمعیت میلیونی لکه ننگ دیگری بر پیشانی حکومت جانوران اسلامی است. در یک کلام جمهوری اسلامی سیاست نسل کشی مهاجرین افغانستانی مقیم ایران را سازمان داده و به پیش می برد. تهدید، اعدام، زندان، اردوگاههای کار اجباری، دهها جور ممنوعیت و محبوسیت .. نمونه هایی از این سیاست کثیف و نوع نازستی و ضد انسانی جمهوری اسلامی می باشند. برخورداری از یک زندگی شایسته، انسانی با امکانات کافی، حق تحصیل و دسترسی به بهداشت و درمان و ... حق بی چون و چرای این جمعیت می باشد. برای پایان دان به این وضعیت در قدم اول باید جمهوری اسلامی که عامل و بانی و سازمانده این نسل کشی است، راه زیر کشید و جامعه ای انسانی را برپا کرد که برای تک تک مردم از زن و مرد و پیر و جوان و بویژه جمهوری اسلامی و کودکان انسانی باشد. *

"خطر" سکولاریسم

محمد شکوهی

اخیرا برخی از مقامات و مسئولین جمهوری اسلامی اعتراف کرده اند که سکولاریزم جامعه و ارزش های دینی "را تهدید می کند. ارزش های غربی" تهاجم وسیعی را بر علیه نظام در ابعاد اجتماعی و نه مانند قبل "خزنده" شروع کرده و "امنیت ملی" را تهدید کرده و تبدیل به چالش بزرگی برای حکومت شده است. سران و مسئولان و مقامات ریز و درشت در باره تهدیدات سکولاریسم می گویند. مصباح یزدی در مقام رئیس موسسه آثار خمینی در جمع بسیجیان هشدار می دهد: که اندیشه سکولار در کشور در حال شیوع است. کامران دانشجو وزیر علوم ضمن آه و ناله از گسترش سکولاریسم در دانشگاهها و مراکز علمی عریده می کشد: "ما اجازه ترویج سکولاریسم و فعالیت علیه اسلام و نظام جمهوری اسلامی

هزینه کرده اند که الان به عکس خودش تبدیل شده است. در نظر سنجی هایی که خود حکومت ارائه می دهد اذعان می کنند که سکولاریسم و "بی تفاوتی" به دین و مذهب و ارزش های اسلامی دارد رشد میکند و تبدیل به یک نوع مخالفت فرهنگی و هنجار بر علیه نظام شده است. واقعیت این است که جمهوری اسلامی و سیاست اسلامیزه کردن جامعه با صدها طرح و مصوبه در کنار زندان، سرکوب، اعدام، سنگسار و شکنجه دیگر نتوانسته و نخواهد توانست جلوی گسترش فرهنگ مدرن، سکولار و جنبش ضد مذهبی را بگیرد. خود اعترافات حکومتی ها نشان از قدرت و نفوذ اجتماعی جنبش رهایی از شر مذهب و قوانین اسلامی دارد. مردم دیگر مدتهاست که در عرصه اجتماعی و سیاسی نه تنها وقعی به عریده کشی ها اسلامیزه کردن حکومت نمی گذارند، بلکه جنبش رهایی از شر مذهب و اسلام و قوانین ضد انسانی آن را در ابعاد اجتماعی و همه جا در عمل پراتیک می کنند. در این میان جنبش نقد مذهب، جدایی دین از دولت، و مبارزه بر علیه سنبل های ارتجاعی مذهب از حجاب اسلامی گرفته تا تمامی قوانین و مقررات ضد انسانی آن تبدیل به یک جنبش عظیم رهایی بخش و یک پای اصلی اعتراض و مقاومت و مبارزه مردم بر علیه جمهوری اسلامی گشته است. گسترش و نفوذ این جنبش رهایی بخش پایه های حکومت را به لرزه در آورده است. به همین خاطر است که وحشت کرده اند. *

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046-8 6489716

Email: markazi.wpi@gmail.com

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۶۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

آتش مهارشدنی...

اصغر کریمی



بدانند چه کاری از دستشان ساخته است. این گوشه ای از کمپین عظیمی است که یک هفته است در سراسر دنیا علیه جمهوری اسلامی و اعدام و سنگسار به حرکت درآمده است.

یک واقعه مهم سیاسی:

تا همینجا این یک دستاورد بزرگ برای جنبش علیه اعدام، برای انقلاب مردم ایران و برای کمیته بین المللی علیه اعدام و شکستی برای جمهوری اسلامی و کل اسلام سیاسی بوده است. هدف اول و انسانی این فعالیت جلوگیری از اجرای این احکام و نجات این محکومین است و میتوان امیدوار بود که این فشارها جمهوری اسلامی را وادار به عقب نشینی کند و از سنگسار و اعدام سکنینه و محمدرضا و زینب منصرف کند. اما در هر صورت این کمپین تا همینجا هزینه اعدام و سنگسار را برای جمهوری اسلامی بشدت بالا برده است. این مساله از مرز مبارزات تاکتونی علیه اعدام بسیار فراتر رفته و به یک واقعه مهم سیاسی و به فاکتوری در گسترش فشار افکار عمومی جهانی و دولت ها به جمهوری اسلامی تبدیل شده است. یک بعد اهمیت سیاسی مساله این است که رسانه هایی که علیرغم آشنائی شان با فعالیت های مینا احدی و کمیته علیه اعدام حاضر به مصاحبه و درج فعالیت های این کمیته نبودند در این کمپین سیاست شان عوض شد و این نیز از نقطه نظر گسترش فعالیت این کمیته که یک کمیته معتبر و مشهور در سطح بین المللی و یک ارگان مهم علیه جمهوری اسلامی است حائز اهمیت بسیار است.

از خلال این کمپین تا همینجا مردم جهان با یکی از قوانین کثیف و سیاه اسلامی و بیرحمی جمهوری اسلامی یعنی سنگسار آشنا شدند و این ضربه ای به جنبش اسلام سیاسی در همه جای دنیا بود. به هردرجه که این کمپین قلب مردم دنیا را تسخیر کرده است به همان نسبت نفرت جهانی را علیه اسلام سیاسی و

جمهوری اسلامی به حرکت درآورده است.

فاکتورهای موثر در پیشروی:

وجود چهره شناخته شده مینا احدی که سابقه ای طولانی در مبارزه علیه اعدام و سنگسار دارد یک فاکتور مهم این کمپین است که بدون آن چنین کمپینی اساسا شکل نمیگرفت. امروز هر کس که قصد مبارزه ای موثر و قدرتمند علیه اعلام و سنگسار دارد، میدانند که باید سراغ مینا را بگیرد و خبرها را به او برساند تا در سطح جهان منعکس شود. تیم حرفه ای همکار مینا در کمیته علیه اعدام فاکتور مهم و موثر دیگر پیشرفت این کمپین بوده است و بدنبال این کمپین در موقعیت بسیار مساعدتری برای تداوم این مبارزه قرار خواهد گرفت. اما همه اینها بدون فاکتور اوضاع یعنی در واقع موقعیت جهانی جمهوری اسلامی و جنبش انقلابی مردم ایران چنین بردی پیدا نمیکرد. انزوای جهانی جمهوری اسلامی یک فاکتور مهم در روی آوری رسانه های مینا استریم غرب به طرف مینا بود. و نکته مهم اینجا است که از این شکافها و فرصت های سیاسی چه کسی و چه جنبشی، در شکل گیری اوضاع نقش ایفا خواهد کرد. دو سال قبل کسانی در حاشیه دو خرداد پس از سالهای طولانی سکوت در مقابل سنگسار موضعی آبکی اعلام کردند و به خیال خود فیلی هوا کردند و رسانه های پرو دو خردادی از جمله بی بی سی، سعی کردند آنها را بعنوان قهرمانان مبارزه علیه سنگسار زیر نورافکن بگذارند. امروز جنبش مینا احدی است که دست بالا دارد و همین جنبش است که بدلیل رادیکالیسم، سابقه، چهره و حرف روشن و بی تخفیف علیه جمهوری اسلامی و قوانین کثیف قصاص اسلامی شایستگی رهبری این مبارزه را دارد.

از کمپین علیه اعدام دلارا تا اعدام پنج فعال سیاسی و کمپین جاری:

از اول اردیبهشت سال قبل تا امروز جنبش علیه اعدام سه نقطه برجسته و درخشان داشته است. اوایل سال قبل کمپین عظیم و طولانی مدت و فشرده ای توسط حزب

کمونیست کارگری و در خط مقدم آن مینا احدی علیه اعدام فاطمه حقیقت پژوه و سپس دلارا دارابی در کانال جدید سازمان داده شد و جامعه ایران را تکان داد. فاطمه و دلارا بیرحمانه اعدام شدند اما افکار و آرای مردم در ابعادی توده ای در طول این کمپین به نفع جنبش علیه اعدام عوض شد و هزاران مبلغ و مدافع بی تخفیف علیه مجازات ضدانسانی اعدام شکل گرفت. مبارزه علیه اعدام، توده های وسیعی را در برگرفت و وارد فاز تازه ای در ایران شد. نقطه عطف مهم بعدی، مبارزه گسترده و رادیکال علیه اعدام پنج فعال سیاسی در اردیبهشت امسال بود که با اعتصاب عمومی در کردستان که به ابتکار و رهبری کمونیست ها سازماندهی شد به اوج خود رسید. در واقع اولین بار بود که مبارزه ای توده ای و سازمان یافته علیه اعدام به راه افتاد. و بالاخره مبارزه کنونی علیه احکام سنگسار و اعدام سکنینه و محمدرضا و زینب نقطه عطف بعدی است. دو مورد اول اساسا معطوف به داخل ایران و سومی معطوف به سطح بین المللی است. و این سه مورد نقاط اوج مبارزه ای است که سالها است جریان دارد. در خلال این مبارزات خواست لغو مجازات اعدام در ایران به خواستی تثبیت شده تبدیل شده و محک و معیاری برای سنجش نیروهای سیاسی قرار گرفته است. امروز هژمونی کمونیست ها بر جنبش علیه اعدام کاملاً بارز است و حتی جریانات و شخصیت های حاشیه رژیم و ناسیونالیست ها نیز بشدت خود را تحت فشار این جنبش رادیکال احساس میکنند و اینجا و آنجا به جنبه هایی از اعدام اعتراض میکنند.

اعدام یک ستون مهم جمهوری اسلامی و جنبش علیه اعدام یک

ستون مهم انقلاب مردم ایران است. تا جمهوری اسلامی سر کار است اعدام و مبارزه علیه اعدام ادامه خواهد یافت. هدف ما، گرفتن این ابزار سرکوب و جنایت از دست حکومت، کاهش دادن آن، و بالا بردن هزینه هر مورد اعدام و سنگسار و تسهیل امر سرنگونی این رژیم است. هدف مهم دیگر ما متوجه کردن مردم ایران و دنیا به ماهیت سیاسی اعدام و سنگسار، نشان دادن ماهیت جنایتکارانه قوانین اسلامی قصاص، افشای بی امان کل اسلام سیاسی و پس راندن جنبش اسلامی در غرب برای تحمیل قوانین شریعه است. کمپین یک هفته اخیر ضربه سنگینی به کل قطب اسلام سیاسی در ایران و جهان بود.

مهمترین درس کمپین:

این کمپین در عین حال بر نقش کارساز یک سازمان متشکل با هدف روشن و رادیکال و کمونیستی در شکل دادن به یک مبارزه عظیم بین المللی در تحت فشار گذاشتن جمهوری اسلامی تاکید کرد. و این مهمترین درس این کمپین برای ما در حزب کمونیست کارگری است. زمان به نفع ما عمل میکند. مهم شناختن این شرایط، سازماندهی حرفه ای فعالیت ها و کمپین ها، و دست بردن به قلب میلیونها انسان شریفی است که به وجود ما نیاز دارند. حزب کمونیست کارگری و رهبران و فعالین آن میتوانند هرکدام در دفاع از حقوق و آزادیهای مردم ایران، نقشی را ایفا کنند که مینا احدی و تیم فشرده کمیته بین المللی علیه اعدام در یک هفته گذشته انجام دادند. این فراخوانی است که منصور حکمت در بحث حزب و جامعه ارائه داد و امروز عمل کردن هرچه قدرتمندتر به این فراخوان همچنان در دستور کار ما است.

Tel: 0046-739318404
Fax: 0046- 8 6489716
markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

www.wpiran.org

www.rowzane.com

www.anternasional.com

www.newchannel.tv

سایت حزب:

سایت روزنه:

فشریه انترناسیونال

سایت کانال جدید:

نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

جلو آمدن دو چهره سوسیالیست در خلال یک جنبش جهانی

هادی وقفی



در آستانه سالگرد ۱۸ تیر و در روزهایی که تمام جهانیان، سببیت و وحشیگری یک رژیم مذهبی و ضدانسان را در کشتار، اعدام و سنگسار انسانها برای مقابله با انقلاب مردمی بجان آمده به نظاره نشسته اند، در پی نامه هایی که فرزندان "سکینه محمدی آشتیانی" در طلب استمداد از مردم دنیا برای نجات مادر محکوم به سنگسارشان انتشار دادند، یکبار دیگر جبهه انسانیت و جبهه مبارزه برای آزادی، برابری و سوسیالیسم، مبارزه بر علیه قوانین عقب مانده و ضدانسان مذهبی، علیه اعدام، سنگسار و در واقع، کشتار عامدانه آدمیزاد به وحشیانه ترین شکل ممکن، جبهه مبارزه بر علیه این بربریت مطلق، به میدان آمد و اخبارش به سرتیتر اول بسیاری از رسانه های مطرح بین المللی تبدیل شد. "مینا احدی" و "مریم نمازی"، فعالین و رهبران "کمیته بین المللی علیه اعدام" و "کمیته یک قانون برای همه"، در حرکتی پرشور، وسیع و جهانی، میلیونها نفر را در سراسر دنیا در مقابله بر علیه قوانین شریعه، سنگسار سکینه محمدی آشتیانی و فراتر از اینها، علیه حکومت اسلامی بسیج کردند. ابعاد این حرکت، بسیار وسیع، جهانی و شغف انگیز است و بقرول مینا احدی، نتایج آن تاکنون از فقط اعتراض بر علیه مجازات اعدام و سنگسار فراتر رفته است. و به این معنا، هم اکنون بدون اغراق میلیونها نفر در سراسر دنیا در حمایت از مبارزات مردم ایران و رساندن صدای اعتراضشان به گوش سیاستمداران ایران و جهان، پیاخاسته اند. هزاران نفر نامه نوشته اند و ضمن امضای طومارهای اعتراضی، اعلام کرده اند که می خواهند در این حرکت سهیم باشند و پرسیده اند که چکار باید بکنند. تمام جهان و مردمان شریفش به هر شکلی که توانستند، بحرکت درآمدند. تا آنجا که مدیای رسمی و نان به نرخ روز خور هم نتوانستند تحت فشار این اعتراضات در مقابل

این جنایات و وحشیگریها را تحت عنوان فرهنگ قابل قبول جوامع اسلامی بخورد مردم بدهد و بدینصورت جهانشمولی حقوق پایه ای انسانها را انکار نماید و بر بی لیاقتی و ناتوانی خود در اداره دنیا سرپوش بگذارد. از این منظر هم، جنبش علیه اعدام، جنبش برای سرنگونی جمهوری اسلامی، از این پس دو رهبر شناخته شده، چپ، کمونیست و سازش ناپذیر در سرنگونی بی کم و کاست جمهوری اسلامی را به مردم ایران و جهان معرفی کرده است. به انقلاب مردم ایران که هردم تشنه انتخاب آلترناتیوی انسانی و سوسیالیستی است تا بتواند برای همیشه نقطه پایانی بگذارد به این بساط جنایت و غارت سرمایه داری، در شکل مذهبی و غیرمذهبی اش. چیزی که آرزوی منصور حکمت بود و وعده آن را داده بود و این حرکت وسیع نشان داد که خواسته ها و آرمان های انسانی منصور حکمت (که این روزها سالگرد از دست دادنش را پشت سر گذاشتیم) تا چه پایه جهانشمول و بطور واقعی از توانایی بسیج توده ای مردم جهان برخوردارند. این دستاوردها و موفقیت های غرورآفرین را به مینا احدی، مریم نمازی و تمام رهبران و فعالین حزب کمونیست کارگری، به تمام انسانهای شریفی که برای رهایی بشر از یوغ بردگی و استثمار مبارزه می کنند، تبریک می گویم. بنظر من، تاریخ پس از این تحولات تاریخ دیگری خواهد بود. تاریخی انسانی تر توأم با تلاشی گسترده تر و تعرضی تر برای رهایی و خلاصی بشریت از شر حکومت هایی که جان و حرمت انسان ها را محترم نمی دارند. تاریخ تعرضی کوبنده تر به حکومت هایی که با چنین رژیم های فاسد و ضدانسانی مماشات می کنند. باید قدر این پیروزی را بدانیم و خود را در جایگاهی که جامعه جهانی با عزیز داشتن چپ و رادیکالیسم خود به استقبالش رفته است، ببینیم... باید این حرکت را ادامه دهیم. ما می توانیم سکینه محمدی آشتیانی را نجات دهیم. و با نجات او امنیت زندگی را به انسانهای بسیار بیشتری برگردانیم*.

پاسخ به اطلاعاتی مطبوعاتی سفارت جمهوری اسلامی در انگلیس

درمورد اطلاعاتی مطبوعاتی سفارت جمهوری اسلامی در لندن که در تاریخ ۸ ژوئیه ۲۰۱۰ درمورد حکم سنگسار سکینه محمدی آشتیانی منتشر شده است:

۱- جمهوری اسلامی تحت فشار عظیم جهانی و انعکاس گسترده کمپین بین المللی در رسانه های مختلف جهان برای نجات جان سکینه به درجه ای عقب نشینی کرده است. هدف اصلی اطلاعاتی مطبوعاتی سفارت رژیم در لندن اما ایجاد شبهه و تردید و کند شدن کمپین نجات جان سکینه و سایر محکومین به سنگسار و اعدام است.

۲- حتی همین اطلاعاتی سفارت جمهوری اسلامی هم تائید آشکار عمل وحشیانه سنگسار توسط این حکومت است. فقط گفته است به ندرت کسی را سنگسار میکنیم! ما لیست سیزده نفر محکوم به سنگسار را که سالها است در زندان های جمهوری اسلامی به سر میبرند در اختیار داریم. لیست واقعی اما از این بزرگتر است.

۳- میگوید سکینه سنگسار نمیشود اما نمیگوید که با سکینه چه خواهند کرد. ممکن است سکینه را بجای سنگسار اعدام کنند. جمهوری اسلامی قبلا هم در چندین مورد بخاطر فشار جهانی از سنگسار عقب نشسته و محکومین را اعدام کرده است. اعدام عبدالله فریور در زندان ساری به اتهام رابطه جنسی خارج از ازدواج یک نمونه مشخص آن است. بنابراین کماکان جان سکینه در خطر است.

۴- هدف ما از کمپین نجات سکینه محمدی آشتیانی اعلام صریح و رسمی لغو حکم سنگسار و اعدام او توسط مقامات جمهوری اسلامی و آزادی بی قید و شرط او است. رابطه جنسی خارج از ازدواج و روابط جنسی افراد بزرگسال امر خصوصی آنها است، جرم نیست و نباید هیچ مجازاتی در بر داشته باشد.

۵- جمهوری اسلامی باید رسماً اعلام کند که نه فقط سکینه بلکه حکم سایر محکومین به سنگسار و اعدام نیز لغو میشود و بطور کلی مجازات ضدانسانی و وحشیانه سنگسار و اعدام بدون هیچ اما و اگر لغو میشود.

۶- همین درجه عقب نشینی موفقیتی برای سکینه و فرزندان او فریده و سجاد و کلیه فعالین کمپین بین المللی علیه اعدام و سنگسار و همه مردم شریف دنیا است. کمپین ما نشان داد که میتوانیم جمهوری اسلامی را وادار به عقب نشینی کامل کنیم. بنابراین بیانیه سفارت جمهوری اسلامی در لندن ما را از ادامه قدرتمند کمپین منصرف نمیکند. عقب نشینی رژیم، هرچند بسیار محدود، نشان داد که این رژیم زیر فشار افکار عمومی جهانی بشدت شکننده است.

به هزاران نفر از مردمی که در طول چند روز گذشته در این کمپین مشارکت داشتند و به همه مردم شریف دنیا همین درجه موفقیت را تبریک میگوئیم و میخواهیم فعالیت های خود را برای نجات جان سکینه محمدی آشتیانی، محمدرضا حدادی و زینب جلالیان و سایر محکومین به اعدام و سنگسار تشدید کنند. فشار جهانی ما دارد به نتیجه میرسد. باید با قدرت هرچه بیشتر آنرا ادامه داد تا به دستاوردی برای مردم ایران تبدیل شود و جان سکینه و محمدرضا و زینب و سایر محکومین به اعدام و سنگسار را نجات دهد. همه مردم آزاده دنیا و همه رسانه ها را فرامیخواهیم که فعالیت خود را دو چندان کنند تا اعدام و سنگسار، این ابزار سرکوب و جنایت، را از دست این حکومت آدمکش خارج کنیم.

کمیته بین المللی علیه سنگسار و اعدام

مینا احدی- ۸ ژوئیه ۲۰۱۰

تلفن تماس: ۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳

minaahadi@aol.com
www.notmoreexecution.wordpress.com

جمهوری سوسیالیستی، جمهوری انسانی است!

هدفمان یک کمپین قدرتمند جهانی است

مصاحبه با شهلا دانشفر در مورد کمپین آزادی کارگران زندانی



همانطور که اشاره کردم جمهوری اسلامی با حمله به تشکلهای کارگری و حمله به رهبران کارگری، میخواهد صفوف مبارزه کارگران را پراکنده کند و بتواند با ایجاد فضای ترس کل جامعه را عقب زند. ضمن اینکه علاوه بر کارگران تعدادی نیز از معلمان در زنداند. کمپین ما برای آزادی کارگران زندانی مشخصا از این کارگران و معلمان دستگیر شده نام برده است. ما آزادی کارگران و معلمان زندانی را گام مهمی برای باز کردن درب زندانها و آزادی همه زندانیان سیاسی میدانیم. ما تلاش داریم کمپین برای آزادی کارگران زندانی را با تمام قوا به پیش بریم.

انترناسیونال: این کمپین چگونه شروع شده؟ چگونه قرار است پیش برود؟

شهلا دانشفر: ما روز گذشته استارت آنرا زدیم. ولی فعالیت برای آن از خیلی جلوتر و از همان مقطع دستگیری کارگران شروع شد. از جمله حضور ما در کنفرانس "سازمان جهانی کار" آی ال او با خواست اخراج جمهوری اسلامی که انعکاس گسترده ای پیدا کرد رسماً برای طرح مساله آزادی فوری همه کارگران زندانی بود. قبل از آن پاسکال از کارگران فرانسوی عضو کنفدراسیون "ث ژت" که امضا کننده این کمپین نیز هست در اتحادیه های س ژت حول همین خواست اخراج جمهوری اسلامی و حمایت از مبارزات کارگران و انقلاب مردم ایران طوماری را به جریان انداخت. نامه ای که در آن به اعدام فرزاد کمانگر و سرکوب کارگران و زندانی کردن آنان اشاره داشت و با استقبال زیادی روبرو شد. همچنین شرکت رفقای ما در کنفرانس دوم آی تی یو سی در ونکوور کانادا، تماس رفقای ما با اتحادیه های کارگری در کشورهای مختلف و همینطور تماس با سازمان عفو بین الملل و سازمانهای انساندوست در سراسر جهان از طریق دوستانی که امضا کننده این کمپین هستند و انعکاس اخبار دستگیری ها و اخبار اعتراضات کارگران در سطح جهانی همه و همه گامهای مهم در این جهت و زمینه ساز این کمپین بوده اند.

انترناسیونال: شهلا دانشفر شماری از کارگران و فعالان کارگری در زندان هستند. میخواهم در مورد کمپینی که برای آزادی آنها شروع شده سوالاتی را مطرح کنم. اما بگذارید قبل از آن بپرسم که آخرین خبر در مورد کارگران زندانی چیست. و کلاً فکر میکنید چند نفر از زندانیان سیاسی از میان کارگران هستند؟

شهلا دانشفر: کسی از آمار دقیق زندانیان سیاسی و طبعا کارگران زندانی خبر ندارد. این یکی از تلاشهای جمهوری اسلامی است که جلوی درز اخبار به بیرون از زندان ها و آمار دقیق زندانیان سیاسی را بگیرد، تا از شکل گیری یک مبارزه سراسری برای آزادی زندانیان سیاسی جلوگیری کند. جمهوری اسلامی در هر مناسبت و اعتراضی تعدادی را دستگیر میکنند، در میان آنها دانشجو، کارگر، معلم و همه تیپ هستند. اما یک نکته مهم که در کمپین برای آزادی کارگران بر آن تاکید داریم، اینست که جمهوری اسلامی فشار خود را بر روی رهبران و چهره های سرشناس کارگری تشدید کرده است، برای اینکه جلوی سازمانیابی و رهبری شدن مبارزات کارگری را بگیرد و فشار بر روی این کارگران البته سیاست همیشگی اش بوده است، ما با معرفی این چهره ها در سطح جهانی و در سطح جامعه میکوشیم جلوی این توطئه جمهوری اسلامی را بگیریم. بویژه اینکه جمهوری اسلامی در شرایط سیاسی امروز جامعه که همه جا اعتراض و مبارزه هست، از جلوی صحنه آمدن قدرتمند جنبش کارگری با اعتصاباتش و با مبارزات سراسری اش، وحشت دارد. میدانند روی دادن چنین اتفاقی برابر است با پایان یافتن بقایش. اینجاست که شروع به احضار رهبران کارگری میکند، آنها را دستگیر و زندانی میکند و در ادامه این سیاست است که هم اکنون ۶ نفر از این رهبران و چهره های شناخته شده جنبش کارگری از جمله منصور اسانلو، سعید ترابیان، ابراهیم مددی، رضا شهابی، بهنام ابراهیم زاده، و مهدی فراهی شاندریز در زنداند. در میان آنها بعضاً کارگرانی هستند که چهره جهانی دارند.

پایه ای ترین حقوق انسانی را نقض کرده و چیزی جز دستگاه سرکوب و جنایت نیست، از نهادهای بین المللی و از جمله سازمان جهانی کار اخراج شود.

انترناسیونال: برای کارگران و مردم در ایران چه امکانی فکر میکنید برای همراهی با چنین حرکتی وجود دارد؟ چه کارهایی میشود کرد؟

شهلا دانشفر: ما میخواهیم هر کس که خبر این کمپین را میشوند خود را فعال آن بداند و به آن پیوندد. امضای خود را در لیست امضا کنندگان آن بگذارد و در هر سطحی که میتواند با آن همکاری کند و در جهت تقویت آن تلاش کند. کارهای زیادی در رابطه با این کمپین معین میتوان انجام داد و فعالیتهای بسیاری را میشود حول آن سازمان داد. در ایران تا کنون تلاش هایی از سوی کارگران در جهت حمایت از کارگران زندانی صورت گرفته است. تشکلهایی که به همت خود کارگران تشکیل شده اند، مثل اتحادیه آزاد کارگران ایران، سندیکای نیشکر هفت تپه، سندیکای کارگران شرکت واحد، انجمن برق و فلز کرمانشاه، با نامه های جمعی خود این دستگیری ها را محکوم کرده اند. کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای آزاد کارگری و جمعی از کارگران ایران خودرو در این رابطه نامه داده و دستگیری ها را محکوم کرده اند. باید این فعالیت ها گسترش پیدا کند. انتظار هست که نه تنها این تشکلهای بلکه همه مراکز کارگری و معلمان و دانشجویان و بخش های مختلف جامعه با همدیگر بیانییه های مشترک بدهند و خواهان آزاد فوری کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی از زندان شوند. بطور مثال ۵ هزار کارگر نیشکر هفت تپه میتوانند با طومارهای اعتراضی خود خواهان بازگشت بکار رهبران شان که بخاطر مبارزاتی که داشتند زندانی شدند و بعد از آزاد شدن نیز از کار اخراج گردیده اند، بشوند و بر آزادی فوری کارگران زندانی تاکید بگذارند. هفده هزار کارگر شرکت واحد میتوانند اولتیماتوم به اعتصاب بدهند و بگویند که اگر رهبران ما را از زندان آزاد نشوند، اگر کارگران و معلمان و

اکنون ما با چنین پشتوانه ای این کمپین را اعلام کرده ایم. تا همین الان دوستان دست اندرکار حول این کمپین جمع شده اند و من بسیار خوشبین هستم که با این کار آنچنانی فشاری به جمهوری اسلامی وارد کنیم که نه تنها ناگزیر به آزادی فوری کارگران زندانی شود، نه تنها ناگزیر شود که تمامی پرونده های تشکیل شده برای فعالین کارگری را لغو و به احضارها خاتمه دهد، بلکه زمینه را برای آزادی همه زندانیان سیاسی از زندان فراهم کنیم. زمینه را برای فشار بیشتر به جمهوری اسلامی برای انزوای سیاسی جهانی آن و اخراجش از مراجع بین المللی از جمله سازمان جهانی کار فراهم کنیم. در هر حال هدف این کمپین مشخصا آزادی همه کارگران زندانی از زندان و متوقف کردن احضار و تهدید رهبران کارگری است و تا وقتی که کارگران در زنداند و تا وقتی که این فشار وجود دارد، این کمپین ادامه خواهد داشت.

این کمپین دو سطح بین المللی و داخل ایران را میپوشاند. در سطح بین المللی خطاب این کمپین به افکار بین المللی مردم در سطح جهان، اتحادیه ها و تشکلهای کارگری و نهادهای مدافع حقوق انسان در سراسر جهان، ایرانیان خارج از کشور و مدیای جهانی است. ما تلاش میکنیم توجه همه اینها را به اضطرابی بودن این موضوع و اهمیت کارزار برای آزادی کارگران زندانی، بعنوان گام مهمی از مبارزات مردم ایران و خیزش انقلابی آنها برای رهایی از شر این رژیم سرکوبگر جلب کنیم. ما تلاش میکنیم با قدرت کارزار برای آزادی کارگران، اخبار آنرا به راس مدیای جهانی ببریم و توجه افکار جهانی را به این مبارزه و حمایت جهانی از آن جلب کنیم.

ما تلاش میکنیم با جلب حمایت افکار جهانی، دول غرب و رسانه های غربی را وادار کنیم که به خواستهای کارگران و مردم ایران تن دهند و فشار بیاورند که جمهوری اسلامی، کارگران زندانی و زندانیان سیاسی را آزاد کند. فشار بیاوریم که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی که

زندانیان سیاسی از زندان آزاد نشوند، ما کارگران شرکت واحد دست به اعتصاب گسترده خواهیم زد و بدون شک چنین کاری خود سرآغاری برای مبارزه سراسری برای باز کردن درب زندانها خواهد بود. به نظر من زمینه های چنین کاری کاملاً فراهم است و با حمایت وسیع جامعه روبرو خواهد شد. همچنین میشود طومارهای اعتراضی تهیه کرد و در سطح کارخانجات و محلات مختلف در حمایت از کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی امضا کرد. اقدام دیگر شرکت وسیع در تجمعات خانواده های کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی و همراهی کردن آنهاست. نباید خانواده های کارگران زندانی و زندانیان سیاسی را تنها گذاشت. میتوان صندوق همبستگی مالی تشکیل داد و نگذاشت که این خانواده ها در تنگنای اقتصادی قرار گیرند. علاوه بر پر کردن در و دیوار با شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، فضای گرمی از اعتراض و مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی بوجود آورد. و خلاصه اینکه از هر فرصتی برای اعتراض و مبارزه برای آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی از زندان استفاده کرد. زندان ابزار سرکوب رژیم است. باید این ابزار را از دست این جانیان بیرون کشید. این یک گام مهم در پیشروی خیزش انقلابی مردم است، باید با تمام قوا برای آن تلاش کنیم.

اما فعالیت ما در رابطه با این کمپین در خارج کشور متفاوت است. همانطور که اشاره کردم ما سعی میکنیم حمایت جهانی اتحادیه های کارگری و نهادهای مدافع حقوق انسان را جلب کنیم. و بخواهیم با نامه های اعتراضی خود این سرکوب ها و دستگیریها را محکوم کنند و کارگران زندانی از زندانی آزاد شوند. ما بر ضرورت یک اقدام اضطراری در این رابطه و از جمله اعلام یک روز همبستگی جهانی دیگر با کارگران ایران و کارگران زندانی تاکید کرده و تلاش میکنیم توجه این سازمانها و نهادهای را به اهمیت آن جلب کنیم.

همینطور برپایی میزهای اطلاعاتی و نمایشگاه عکس و فیلم از مبارزات کارگران در ایران و



کارگر زندانی آزاد باید گردد! اعلام کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران

آزادی کارگران زندانی بر پا داریم. ما در هفته های اخیر خبرهایی از فشار بر خانواده و وابستگان منصور اسانلو بود. همچنین تعدادی از معلمان به اسامی عبدالرضا قنبری (که به اعدام محکوم شده است)، سید هاشم خواستار، رسول بدایقی، عبدالله مؤمنی، محمود بهشتی، لنگرودی، علی اکبر باغانی، محمد داوری، علیرضا هاشمی، حسین باستانی، نژاد و قربان احمدی دستگیر و زندانی شده اند.

زندان جمهوری اسلامی سر میبرد. فشار بر روی فعالین و رهبران کارگری شدت یافته است. جمهوری اسلامی در تلاش برای بقا، فعالین و رهبران کارگری را زیر فشار قرار میدهد و دستگیر و زندانی میکند تا سازمانیابی و رهبری مبارزات کارگری را سد کند. مراکز کارگری از اعتراض و مبارزه حالتی انفجاری بخود گرفته است و جمهوری اسلامی میدانند که جلوی صحنه آمدن کارگران با قدرت تشکل و اعتصابشان یعنی چه، میدانند که روی دادن این اتفاق در دل شرایط پرتاب و تاب جامعه چگونه تکلیف اوضاع را یکسره خواهد کرد. از اینرو بر فشار بر فعالین کارگری شدت داده است. در همین ماه سعید ترابیان و رضا شهابی از رهبران شناخته شرکت واحد دستگیر شدند و هم اکنون در بند ۲۰۹ اوین بسر میبرند و جمهوری اسلامی مانع ملاقات خانواده هایشان با این کارگران و درز هر گونه خبر از آنان به بیرون از زندان میشود. در ۱۹ و ۲۲ خرداد ماه بهنام ابراهیم زاده و مهدی فراخی شانندیز از فعالین کارگری دستگیر شدند. بر روی این کارگران آنچنان فشاریست که قفسه سینه بهنام ابراهیم زاده آسیب دیده و پای او شکسته است. این در حالیست که منصور اسانلو و ابراهیم مددی دو تن دیگر از رهبران سرشناس شرکت واحد از قبل در

فشار بر روی فعالین و رهبران کارگری شدت یافته است. جمهوری اسلامی در تلاش برای بقا، فعالین و رهبران کارگری را زیر فشار قرار میدهد و دستگیر و زندانی میکند تا سازمانیابی و رهبری مبارزات کارگری را سد کند. مراکز کارگری از اعتراض و مبارزه حالتی انفجاری بخود گرفته است و جمهوری اسلامی میدانند که جلوی صحنه آمدن کارگران با قدرت تشکل و اعتصابشان یعنی چه، میدانند که روی دادن این اتفاق در دل شرایط پرتاب و تاب جامعه چگونه تکلیف اوضاع را یکسره خواهد کرد. از اینرو بر فشار بر فعالین کارگری شدت داده است. در همین ماه سعید ترابیان و رضا شهابی از رهبران شناخته شرکت واحد دستگیر شدند و هم اکنون در بند ۲۰۹ اوین بسر میبرند و جمهوری اسلامی مانع ملاقات خانواده هایشان با این کارگران و درز هر گونه خبر از آنان به بیرون از زندان میشود. در ۱۹ و ۲۲ خرداد ماه بهنام ابراهیم زاده و مهدی فراخی شانندیز از فعالین کارگری دستگیر شدند. بر روی این کارگران آنچنان فشاریست که قفسه سینه بهنام ابراهیم زاده آسیب دیده و پای او شکسته است. این در حالیست که منصور اسانلو و ابراهیم مددی دو تن دیگر از رهبران سرشناس شرکت واحد از قبل در

کمپین برای آزادی کارگران زندانی تا آزادی همه کارگران زندانی ادامه دارد و آثرا گام مهمی در باز کردن درب زندانها و آزادی همه زندانیان سیاسی و عزیزان در بندمان میدانیم. به هر شکل که میتوانید به این کمپین کمک کنید و خود را فعال این کمپین بدانید.

کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند!

امضا کنندگان:

فروغ ارغوان: عضو اتحادیه کارگری. کانادا
محمد امیری: فعال در عرصه جنبش کارگری عضو اتحادیه SKTF سوئد
داود آرام: عضو اتحادیه کارگری در کانادا
مسعود ارژنگ: عضو اتحادیه کارگری در کانادا
ناصر اصغری: عضو اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا
دیو بیلکینی: مسئول بخش آموزش اتحادیه کارگران پست کانادا.

ما امضا کنندگان زیر با اعلام کمپین برای آزادی کارگران زندانی همگان را دعوت میکنیم که در داخل و خارج از کشور وسعیا به این کمپین بپیوندند. همه مراکز کارگری و همه تشکلهایی که به همت خود کارگران تشکیل شده اند و اتحادیه های کارگری در سراسر جهان و حمایت وسیع مردم، نیروی عظیم این کمپین هستند. ما همه کارگران، معلمان، دانشجویان و همه بخش های جامعه و تمامی ایرانیان خارج از کشور را فرامیخوانیم که در اشکال مختلف، با طومارهای اعتراضی خود، با شرکت در تجمعات اعتراضی خانواده های کارگران زندانی، با حمایت از خانواده هایی که عزیزانشان در زندان اند، با مطرح کردن مساله کارگران زندانی در رسانه های مختلف و با مبارزات متحد خود کارزار قدرتمندی را برای

هدفمان یک کمپین قدرتمند ...

از صفحه ۷

آزاد کنند. تا جمهوری اسلامی این رژیم زندان و سرکوب و جنایت از نهادهای بین المللی از جمله سازمان جهانی کار اخراج شود. فشار بیابوریم که سفارت خانه های این رژیم بسته شود. همانطور که بالا تر نیز اشاره کردم کمپین برای آزادی کارگران زندانی تا مادامیکه این کارگران در اسارت جمهوری اسلامی هستند و فعالین و رهبران کارگری احضار میشوند و مورد پیگرد قرار دارند، ادامه دارد. به نظر من امروز زمینه های پیشبرد یک کمپین موفق و قدرتمند کاملاً فراهم است. خیزش

وضعیت کارگران زندانی، برپایی شب های همبستگی کارگری با کارگران ایران و کارگران زندانی، بر پایی تظاهرات و پیکت های اعتراضی در مقابل سفارتخانه های جمهوری اسلامی و مراکز شهرهای مختلف در خارج کشور همه و همه اشکال دیگر کار ما در خارج کشور خواهد بود. ما سعی میکنیم با جلب حمایت مردم جهان بر دولت های غرب، بر سازمان جهانی کار "آی ال او" فشار بیابوریم که جمهوری اسلامی را زیر فشار بگذارند تا کارگران زندانی را

مهران خورشیدی: فعال کارگری و عضو اتحادیه کارگران ترانسپورت شهلا دانشفر: فعال در عرصه جنبش کارگری
پاسکال دسکامپ: عضو اتحادیه کارگران س ژت فرانسه
فرشاد حسینی: عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران
صابر رحیمی: فعال کارگری عضو اتحادیه مهندسی و تکنولوژی نروژ
رضا رشیدی: عضو کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری در ایران
عباس زمانی: فعال کارگری بهرام سروش: فعال در عرصه جنبش کارگری
احمد فاطمی: عضو اتحادیه یونیون سوئد
رضا فتحي: فعال کارگری صالح فلاحي: عضو اتحادیه ترانسپورت نروژ
یدی کوهی: عضو اتحادیه کارگری س ژت، فرانسه
عباس ماندگار: فعال کارگری و عضو اتحادیه کارگران ترانسپورت در

کانادا
شهناز مرتب: عضو اتحادیه پست در آلمان
شیوا محبوبی: سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی مهران محبوبی: فعال کارگری و عضو اتحادیه کارگری در کانادا
منوچهر مهدی تبار: عضو سابق سندیکای کارگران شرکت واحد
ارسلان ناظری: فعال در عرصه جنبش کارگری در استرالیا
محمد نعمتی: عضو سابق اتحادیه آزاد کارگران ایران
سخنگویان کمپین و تلفن های تماس
شهلا دانشفر:
0044-77798 98968
Shahla_Daneshfar@yahoo.com
بهرام سروش:
0044-7852 338334
Bahram.Sorush@gmail.com

کارگران زندانی از زندان بعنوان يك گام مهم برای باز کردن درب زندانها برسد. به این کمپین بپیوندید. *

کانال جدید را وسعیا تبلیغ کنید

برنامه های کانال جدید از ماهواره نایل ست و ۲۴ ساعته پخش میشود. مشخصات کانال جدید را به دوستان و آشنایان خود اطلاع دهید و به هر شکل که میتوانید وسعیا آنرا تبلیغ کنید. مشخصات کانال جدید در ماهواره نایل سات به این قرار است:

Satellite: AB4A/NILESAT103 @ 7
Degrees West Freq: 10873
Polarity: Vertical Symbol Rate: 27,500
Fec: 3/4

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

تجمع اعتراضی چند واحد تولیدی: کارگران حقوق های معوقه خود را مطالبه میکنند

کارخانه قند بردسیر

اخبار رسیده از کارخانه بردسیر کرمان حاکی است که جمعی از کارگران این کارخانه در اعتراض به انحلال کارخانه و نیز عدم پرداخت طلب های خود در روز سه شنبه هشتم تیرماه سال جاری، مقابل درب اصلی کارخانه قند بردسیر تجمع کردند. کارگران بیکار شده دو ماه است دستمزدی دریافت نکرده اند و چندین ماه است پرداخت حق بیمه آنها نیز به تعویق افتاده است. هیچ مرجعی پاسخگوی کارگران کارخانه قند بردسیر نیست.

دستمزد بیش از سیصد کارگر کارخانه "کاشی تبریز کف" مرند پرداخت

نشده است.

علیرغم گرانی و تورم افسارگسیخته و دستمزدهای ناچیز و چند برابر زیر خط فقر، دستمزد کارگران کارخانه کاشی "تبریز کف" چهار ماه است پرداخت نشده است. خانواده های کارگران با فشار اقتصادی غیرقابل تحملی مواجهند. کارفرما هنوز پاسخ روشنی به کارگران نداده است. خانواده های کارگران این واحد تولیدی بعثت عدم پرداخت دستمزد هایشان، قادر به پرداخت هزینه های اولیه زندگی مانند اجاره منزل و هزینه های جاری زندگی خود نیستند.

دستمزد بیش از ۶۵۰ نفر کارگران کارخانه فولاد نطنز

پرداخت نشده است.

ششصد و پنجاه تن از کارگران واحد تولیدی فولاد نطنز تولید کننده میله گرد و کلاف مفتولی، سه ماه است دستمزدی دریافت نکرده اند. کارگران و خانواده های آنها به این بی توجهی و کلاهبرداری آشکار شدیداً معترضند. خانواده این کارگران بدون کوچکترین امکانی به حال خود رها شده اند.

کارخانه صندوق نسوز کاوه در حال ورشکستگی است.

طی یکماه گذشته تعداد قابل توجهی از کارگران کارخانه صندوق نسوز کاوه اخراج شده اند، کارفرما دلیل رکود تولید، ورشکستگی و به حال تعطیل

در آمدن کارخانه و اخراج کارگران را مشکلات سوخت و مسئله تحریمهای اقتصادی عنوان کرده است.

نپرداختن دستمزدها يك جنایت آشکار است. نتیجه آن متلاشی کردن زندگی و معیشت کارگران است. نتیجه آن محروم کردن فرزندان کارگران از تحصیل است. نپرداختن دستمزد ها با هیچ عذر و بهانه ای قابل پذیرش نیست. دستمزد کارگران باید فوراً پرداخت شود و در قبال تعویق دستمزدها به کارگران خسارت

پرداخت شود. کارگران خواهان نه تنها پرداخت فوری دستمزدها بلکه افزایش آن و در گام اول حداقل يك میلیون تومان هستند. خواستی که

برای آن طومارها جمع شد و بندی از قطعنامه اول مه کارگران بود. کارفرمایان و در راس همه آنها جمهوری اسلامی مسئول مستقیم فقر و فلاکت روزافزونی است که زندگی میلیونها خانواده کارگری را دستخوش مصیبت کرده است. اعتراض به حق کارگران به این ستم آشکار و غیر قابل تحمل باید به اعتراضی وسیع و سراسری بدل گردد.

آزادی، برابری، حکومت کارگری زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی مرگ بر جمهوری اسلامی حزب کمونیست کارگری ایران ۱۱ تیرماه ۱۳۸۹، ۲ جولای ۲۰۱۰

تجمع نمودند. کارگران این شرکت، همچنین خواستار حذف پرداخت مالیات بر دستمزد هستند. کارفرما هر ماه از دستمزد ناچیز کارگران سهمی بابت مالیات کسر میکند، در حالیکه بنا بر قانون مناطق آزاد، کارگران از پرداخت مالیات معافند.

لازم به توضیح است که در روزهای اخیر بیش از صد کارگر بیکار شده این پالایشگاه نیز با بستن درب اصلی پالایشگاه دست به اعتراض زدند و دو تن از آنان توسط لباس شخصی های وزارت اطلاعات مورد اذیت و آزار قرار گرفتند و دستگیر شدند.

گرانی و فقر تحمیلی، کارگران را به ستوه آورده است. نپرداختن دستمزد

گذاشته اند و چندین بار همراه با کارگران کارخانه های نساجی فرنگ و مه نخ، دست به تجمعات اعتراضی مشترک زده اند. در اول مه امسال نیز کارگران نازخ نقش مهمی در تظاهرات باشکوه هشت هزار نفره در قزوین داشتند.

کارگران ساختمان نصب در پالایشگاه آبادان دست از کار کشیدند!

حدود پانصد تن از کارگران شرکت ساختمان نصب واقع در شرکت پالایش نفت آبادان روز دوشنبه چهاردهم تیرماه در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خود، کار را تعطیل کردند و در محل پروژه فاز ۳ پالایشگاه آبادان

کارگران این مجتمع تولیدی از دوازدهم اردیبهشت ماه که این مجتمع به تعطیلی کشانده شده است، تاکنون دستمزدی دریافت نکرده اند. کارفرما با بی مبالائی و وعده های توخالی کارگران را فریب میدهد، بدون اینکه اقدام موثری برای پرداخت دستمزدهای پرداخت نشده ما انجام دهد. ما این مشکلات را با هیأت دولت نیز که در حاشیه سفرهای استانی به قزوین آمده بودند در میان گذاشتیم اما کماکان هیچ خبری از پرداخت دستمزدهای ما نیست.

کارگران نازخ تاکنون بارها دست به تظاهرات و تجمعات اعتراضی زده و مبارزات طولانی مدتی را پشت سر

۱۲۰ تن از کارگران کارخانه نازخ قزوین بعنوان نماینده کارگران از روز دوشنبه ۱۴ تیرماه بمدت سه روز در مقابل مجلس اسلامی واقع در تهران دست به تجمع اعتراضی زدند و خواهان پایان دادن به کلاهبرداری کارفرما و عدم توجه دولت به خواستههایشان شدند. این تجمع اعتراضی در ادامه تجمعات کارگران در اعتراض به عدم پرداخت شش ماه دستمزد و تعطیلی کارخانه میباشد.

کارخانه نازخ قزوین در پی رکود تولید از دوازدهم اردیبهشت ماه سال جاری تعطیل شده است و کارگران در وضعیت بلا تکلیف به حال خود رها شده اند. یکی از کارگران میگوید که

گزارش شب همبستگی با کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در شهر مالمو جمعه ۲ جولای

که با کف زدن حاضرین همراه شد.

سخنران دیگر این مراسم رفیق شریف بود که از فعالین اجتماعی در کردستان بوده و به تازگی از ایران آمده است که به این جلسه دعوت شده بود. ایشان مشاهدات خود را از چگونگی همبستگی سراسری مردم کردستان در روز اعتصاب عمومی را شرح داد که مورد استقبال قرار گرفت.

این مراسم با شعرخوانی خانم شادی بهار ادامه یافت. از شرکت کنندگان پذیرایی شد. سپس جلسه با پرسش و پاسخ پایان یافت. کمیته همبستگی کارگری حزب کمونیست کارگری ایران

سراسر جهان را خواند و پیام منتشر شده به مجمع عمومی کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری را قرائت کرده و پیرامون اهمیت آن به بحث و بررسی پرداخت. عباس در بخش دوم صحبت خود انقلاب جاری و نقش جنبش کارگری در روند آتی آن را تحلیل کرد و مشاهدات عینی خود را بعنوان فعال کارگری از شکل گیری سندیکاها و اتحادیه آزاد کارگران ایران در اختیار شرکت کنندگان قرار داد.

در همین رابطه فیلم منصور اسانلو در جمع کارگران شرکت واحد و مجمع عمومی کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری به نمایش درآمد

مراسم با خوش آمدگویی حسن صالحی آغاز شد. سپس به موضوع فراخوان و گردهمایی و معرفی سخنرانان پرداخت.

عباس زمانی یکی از فعالین کارگری ایران که به تازگی به خارج کشور آمده است، سخنرانی خود را با گزارش مشروحي از فعالیت تشکل های داخل کشور در حمایت از همکاران زندانی خود آغاز کرد. بعد در همین رابطه گزارشی از کمپین کمیته همبستگی کارگری حزب کمونیست کارگری ایران را به اطلاع حضار رساند. نامه های حمایتی از کارگران زندانی در ایران از سوی اتحادیه های کارگری در



تظاهرات و گردهمایی اعتراضی علیه جمهوری اسلامی در سالگرد ۱۸ تیر، ۹ ژوئیه در مالمو، گوتنبرگ، استکهلم، فرانکفورت، اتاوا، ونکور، اسلو، سیدنی در سالگرد ۱۸ تیر (۹ ژوئیه)



جمهوری اسلامی از ساعت ۱۷ تا ۲۱

سوئد: مالمو:

زمان: جمعه ۹ ژوئیه - ساعت ۱۶:۳۰

مکان:

Davidshalls Bro

برگزار کننده: فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی- مالمو کمیته دفاع از حقوق زنان ایران- مالمو در همکاری با ایران سولیدارتی

گوتنبرگ: زمان: پنجشنبه ۸ ژوئیه ساعت ۵ بعدازظهر

مکان:

Brunnsparken

برگزار کننده: حزب کمونیست کارگری ایران

استکهلم: زمان: جمعه ۹ ژوئیه - ساعت ۱۶:۳۰

مکان: میدان سرگل

برگزار کننده: ایرن سولیدارتی

وعلیه سرکوب و اختناق در جمهوری اسلامی همصدا شویم. در تظاهرات این روز وسیعاً شرکت کنید تا صدای دانشجویان بیخاسته، کارگران معترض، صدای زنان و جوانان تشنه رهایی و صدای فریاد مردم ایران برای آزادی و برابری را به گوش جهانیان برسانیم. سران جمهوری اسلامی باید بخاطر ۳۱ سال جنایت در حق مردم ایران و دزدی و چپاول از دسترنج کارگران و مردم زحمتکش محاکمه شوند. باید با برپایی اجتماعات و اعتراضات گسترده جمهوری اسلامی را بیش از پیش منزوی کرد و خواست قطع روابط دیپلماتیک و سیاسی با جمهوری اسلامی و بستن سفارتخانه های این رژیم را در همه جا فریاد زد.

بناسبت ۱۸ تیر در کشورهای سوئد، آلمان، کانادا و استرالیا و نروژ این گردهمایی های اعتراضی سازمان داده شده است که ما شما را به شرکت فعال در آنها فرا می خوانیم.

انگلستان- لندن

روز جمعه ۹ ژوئیه در مقابل سفارت

۱۸ تیر ۱۳۷۸ روز اعلام موجودیت علنی و توده ای جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی نام گرفته است. در سالگرد این روز و در شرایطی که مبارزه و جنبش انقلابی مردم ایران برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی با قدرت ادامه داشته است، به خیابانهای می آئیم تا فریاد آزادیخواهی مردم ایران را به گوش جهانیان برسانیم.

۱۱ سال پس از ۱۸ تیر سال ۷۸ و حدود یکسال پس از گذشت آغاز تظاهرات میلیونی مردم ایران، جمهوری اسلامی اکنون رژیمی متزلزل تر، با شکاف های عمیقتر از قبل، فاقد مشروعیت حتی در درون صفوف خود، فاقد مشروعیت از نظر بین المللی و مورد نفرت داخلی و بین المللی است. این رژیم جنایتکار رفتنی است و شدت یافتن اقدامات سرکوبگرانه حکومت آدمکشان نمی تواند این رژیم را از مرگ حتمی نجات دهد.

در گرامیداشت ۱۸ تیر به خیابان بیابید تا در دفاع از مردم ایران

آزادی بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی اولین خواست هیجدهم تیر است!

تظاهرات در لندن

ظرفیت هیولای جمهوری اسلامی است ذره ای از این اعتراضات بکاهد. شش روز تابناکی که جمهوری اسلامی را لرزاند برای همیشه در تاریخ مبارزات مردم برای رهایی از شر حکومت سرکوب و کشتار ثبت شد.

از آن تاریخ خواست آزادی کلیه زندانیان سیاسی در ایران، به خواستی کلیدی سراسری و جهانی بدل گردید. جهان متضمن بقدرت، اعتبار و ظرفیت مبارزاتی ما مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی پی برد. هیجدهم تیر، پاسخ و حضور توانمند ما مردم آزادیخواه، به کشتارها و قتلهای زنجیره ای سیستماتیک بود که به عمر جمهوری اسلامی جریان داشت!

پس از هیجدهم تیر هفتاد و هشت، هرگز جمهوری اسلامی به موقعیت سابقش باز نگشت. مبارزات مردم چنان عظیم و انعکاس

زمان: جمعه ۹ جولای- از ساعت ۹ الی ۹ شب

Princes Gate, Kensington, London SW7

مکان: مقابل سفارت رژیم اسلامی

نزدیکترین ایستگاه قطار:

High Street Kensington, Knightsbridge

هیجدهم تیر، سالگرد حمله خونین جمهوری اسلامی به صف مبارزات پر شور جوانان، دانشجویان و مردمی است که برای پایان دادن به حکومت کشتار و شکنجه به خیابانها آمدند. هیجده تیرماه برای ما میلیونها مردمی که به کمتر از سرنگونی جمهوری اسلامی رضایت نمیدیم، نقطه عطف مهمی در تاریخ مبارزاتمان است. جمهوری اسلامی مانند همیشه نتوانست با خون پاشیدن به صف اعتراضی ما با سرکوب و وحشیگری که تنها در

نروژ- اسلو: پنجشنبه ۸ ژوئیه ساعت ۱۶ عصر، در مقابل پارلمان نروژ

مکان: مرکز شهر - هافت واخه
برگزار کننده: حزب کمونیست کارگری ایران

استرالیا- سیدنی:

مکان: رویروی ساختمان شهرداری پاراماتا

زمان: یکشنبه ۱۱ ژوئن از ساعت ۱۱ الی ۱۳

برگزار کننده: ایرن سولیدارتی

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران
ژوئیه ۲۰۱۰

برگزار کننده: حزب کمونیست کارگری ایران، همبستگی، فدراسیون پناهندگان ایرانی ونکور

زندانیان برای آزادی عزیزانمان از همین حالا دست بکار شویم! ما همگی خانواده زندانیان سیاسی هستیم! ما خانواده اسانلو، توکلی، ابراهیم زاده، بهشتی شیرازی، مومنی، باستانی نژاد، عرب مازیاری، صمیمی، دری، امویی، نورانی نژاد، شهابی، مددی، ترابی، عبدالله نژاد، اشرفی، فتاح بخش، نبوی، مددزاده، تاجرنیا، داشاب، زاهد، کریمی، بهزادیان نژاد و ... و هزاران عزیز دیگریم!

مردم این حکومت رفتنی است! این روزهای تلخ و سیاه پایان خواهد یافت! آینده روشن و جهانی پر از آزادی و سعادت و خوشبختی زیر چکمه های خونین جمهوری اسلامی است!

فریاد هیجدهم تیر امسال باید در سراسر جهان طنین افکند!

آزادی بی قید و شرط و بیدرنگ کلیه زندانیان سیاسی اولین خواست هیجدهم تیر است!

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

۹ تیرماه، ۱۳۸۹-۳۰ جون ۲۰۱۰

جمهوری اسلامی و درنده خویی اش را به چالش گرفته اند و در خارج از زندان با خروش و حضور خانواده های نگران و مضطربی که ایستاده اند تا عزیزانشان را از پنگال خفاشان خون و جنون رهایی بخشند!

مردم، خانواده های زندانیان سیاسی!

اکنون جهان نظاره نگر مبارزات ماست! در سالروز هیجدهم تیرماه، چشم جهان به ما خیره میشود تا ما رو داریم یاری دهد و در کنار ما برای پشتیبانی از خواستهایمان با ما هم صف شود! این يك شعار و آرزو نیست، این يك اتفاق نیست، این حقیقت مسلمی است که ما مردم با سالها مبارزه و ایستادگی آنرا خلق کرده ایم!

محل ملاقات ما آزادیخواهان، ما داغداران ما شکست نخوردگان، در خیابانهاست! در خارج کشور باید برای بستن لانه های تروریستی که به نام سفارتخانه های جمهوری اسلامی برپا شده است عزم جزم کرد و در داخل با تجمع وسیع و گسترده، درمقابل

آنچنان جهانی شد که دیگر آشکار گردید که خواستهای بحق و اعتراضات رو به گسترش مردم دیگر مهار کردنی نیست!

هیجدهم تیر، مانند کابوسی به جان جمهوری اسلامی افتاد و از آن زمان تاکنون همچنان جمهوری اسلامی و کل دستگاه سرکوب و ماشین آدم کشی اش را می لرزاند و به نبردی سرنوشت ساز می طلبد!

هر سال هیجدهم تیر با رنگ و بوی آشنای سرنگون باد حکومت خون و جنون جمهوری اسلامی به مبارزات مردم گره میخورد و دستاوردهایش را وسیعتر و عمیق تر می کند.

هیجدهم تیر به صفی گره خورده است که میروند تا به این تاریخ خونبار و سبعت بی مانند پایان دهد!

فریاد رسای هیجدهم تیر ماه در درون زندانها، در سلولهای مرگ، در "سگدونی" و "زیر هشت" در بند ۲۰۹ و ۳۵۰ و اوین و گوهردشت و عادل آباد و دیزل آباد و ساهیچالهای بی نام و نشان وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران، طنین افکن است. در استقامت شورانگیز و غرورآفرین هزاران زندانی سیاسی که توحش

گوشه هایی از ابعاد جهانی کمپین برای نجات جان سکینه محمدی آشتیانی

اطلاعیه شماره ۶

اخبار جدید از کمپین نجات سکینه محمدی آشتیانی -

روز پنجشنبه ۸ ژوئیه ۲۰۱۰

سجاد پسر سکینه محمدی آشتیانی يك نامه برای مینا احدی ارسال کرد و در آن یکبار دیگر از همه مردمی که برای نجات مادرش تلاش میکنند، تشکر کرد. لینک نامه به فارسی و انگلیسی:

<http://notonemoreexecution.wordpress.com/>

تایمز لندن امروز بخشهایی از نامه سجاد را چاپ کرده است. و در سه صفحه در مورد کمپین نجات سکینه صحبت کرده است، تایمز از روز گذشته چنین بار با احمد فاطمی صحبت کرده است.

THE TIMES <<http://www.thetimes.co.uk/tto/news/MiddleEast>>
Middle East <<http://www.thetimes.co.uk/tto/news/world/middleeast/>>

از ایران خبر میرسد که هنوز جمهوری اسلامی ایران، عکس العمل رسمی به اعتراضات گسترده بین المللی نشان نداده است. از نتایج جلسه دیروز با یکی از وکلای پرونده، هنوز خبری به دست ما نرسیده است.

اعتراضات در دنیا بسیار گسترده است و بسیاری از شبکه های خبری در مورد بزرگترین کمپین سیاسی علیه احکام سنگسار و اعدام حرف میزنند.

فعالین علیه اعدام، مدافعین حقوق زن و منجرین از سنگسار، متشکل میشوند و در بسیاری از کشورها میتینگ و تظاهرات سازمان داده، در فیس بوک و توییتر به سرعت گروههای هزاران نفره سازمان می یابد و بحث در مورد سنگسار و علیه اعدام و سنگسار و بحث در مورد نحوه کمک به مردم ایران بسیار بالا گرفته است. يك جنبش عمیقاً انسانی و بین المللی علیه حکومت اسلامی و جنایات و سببیت این حکومت سازمان پیدا میکند. همبستگی جهانی با مردم ایران در اعماق جوامع در حال شکل

گیری است.

يك هنرمند با ما تماس گرفته و میگوید حاضر است بجای سکینه سنگسار شود و يك گروه از مردم امریکا نامه ای مینویسند و محبت عمیق خود را نشر فرزندان سکینه میکنند.

يك گروه جدید ددر فیس بوك درست شده، تعداد اعضا این گروه در ۴۸ ساعت گذشته ۸۰۰۰ نفر و در بیست و چهار ساعت گذشته ۱۵۰۰۰ نفر شده. در شهرهای مختلف امریکا و اروپا تظاهراتهایی به ابتکار مردم سازمان داده میشود. در بورلی هیلز امریکا فعالین امریکایی دفاع از جان سکینه که گروه جدیدی درست کرده اند تظاهراتی را سازمان داده اند. در برلین فعالین علیه اعدام در مقابل پارلمان این کشور میتینگ سازمان داده و به سنگسار سکینه اعتراض میکنند.

<http://nicsbloghaus.org/2010/07/02/fotos-der-iran-mahnwache-am-brandenburger-tor/>

يك هنرمند و موزیسین با ارسال نامه ای گفته که حاضر است او را سنگسار کنند و تا سکینه زنده بماند. برای او نامه نوشته و از او درخواست کردیم در مورد سکینه و علیه سنگسار آهنگ اجرا کنند. يك آهنگ در مورد سکینه در یوتوب هست که لینک آن اینست.

<http://www.youtube.com/watch?v=CvD1Yu6B-k&feature=youtu.be>

از جمله فعالین کمیته علیه اعدام این مصاحبه ها را انجام داده اند.

يك رادیو در استرالیا با ماریا روحانی يك از فعالین کمپین نجات سکینه و عضو کمیته علیه اعدام از امریکا، مصاحبه مفصلی کرد.

<http://www.theaustralian.com.au/news/world/effort-to-halt-womans-stoning/story-eor6so-1225889125035>
http://www.huffingtonpost.com/2010/07/06/sakineh-mohammadie-ashiani_n_635846.html

<http://andrewsullivan.theatlantic.com/the-daily-dish/2010/07/irans-latest-barbarism.html>

يك رادیو در کانادا وقت مصاحبه با ماریا روحانی امروز دارد.

بی بی سی انگلیسی امروز صبح زود با احمد فاطمی از اعضا کمیته علیه اعدام مصاحبه ای به زبان انگلیسی کرد.

روز چهارشنبه رسانه های متعددی با مینا احدی مصاحبه کردند از جمله:

تولیزون سراسری سوئد، اس فا، بزرگترین سایت خبری خاورمیانه به اسم ناسیونال بزرگترین سایت انگلیسی زبان در خاورمیانه با ۳۰۰ ژورنالیست که مرکز آن در ابوظبی است.

از دفتر انگلیس امنستی اینترناشنال یعنی از مرکز عفو بین الملل، با مینا احدی تماس گرفته شد و در مورد این کمپین با وی گفتگو کردند. روزنامه های آلمانی زبان نیز کم کم به این جنبش پیوستند، روز گذشته اشترن و استاندارد و چندین رسانه دیگر از سوئیس و اتریش و آلمان با مینا احدی مصاحبه کردند.

روزنامه هایی از سوئد و دانمارک و فرانسه و استرالیا با مینا احدی مصاحبه کردند.

نیوزویک با احمد فاطمی مصاحبه کرد.

روزانه دهها نامه دریافت میکنیم که ما چه کمکی میتوانیم بکنیم.

يك دستور العمل عمومی امروز در سایت کمیته علیه اعدام برای رهنمود دادن به فعالین این حرکت منتشر خواهد شد.

این يك کمپین گسترده و جهانی است که فشار شدیدی را روی حکومت اسلامی ایران گذاشته است. در اطلاعیه بعدی در مورد اعتراضات دولتها در روز گذشته گزارش خواهیم داد.

کمیته بین المللی علیه اعدام ۲۰۱۰ ژوئیه

<http://notonemoreexecution.wordpress.com/>

اطلاعیه شماره ۸

اعتراض دولتها به حکومت اسلامی ایران

حدادی و سکینه محمدی را لغو کند وزیر امور خارجه کانادا گفت ما عمیقاً نگرانیم و قویا و مصرانه از ایران میخواهیم این احکام را لغو کند.

روز ۵ جولای وزارت خارجه نروژ سفیر رژیم اسلامی، حسین رضوانی، را به وزارت خارجه فراخواند و اعتراض شدید دولت نروژ را نسبت به عمل وقیحانه سنگسار و بخصوص حکم سنگسار سکینه اعلام کرد. نماینده وزارت خارجه نروژ همچنین به حکم اعدام محمد رضا حدادیان و اعدام کودکان اعتراض کرد. نماینده وزارت خارجه نروژ همچنین اعتراض دولت متبوع خود را در مورد وضعیت زندانی سیاسی مجید توکلی به اطلاع سفیر حکومت اسلامی رساند.

يك مقام بلندپایه وزارت خارجه بریتانیا نسبت به اجرای قریب الوقوع حکم "سنگسار" سکینه محمدی آشتیانی اعتراض کرده است.

الیستر برت مقام وزارت خارجه بریتانیا در بیانیه ای که روز چهارشنبه ۷ ژوئیه (۱۶ تیر) منتشر شد نوشت: "من از ایران می خواهم فوراً حکم اعدام خانم محمدی آشتیانی را متوقف کند، و فرآیندی که او طی آن محاکمه شده و همچنین مجازات را مورد بازبینی قرار دهد. او قبلاً با مجازات شرم آور ۹۹ ضربه شلاق به اتهام رابطه جنسی خارج از ازدواج روبرو شده است؛ اعدام او باعث انزجار و وحشت جهانی که ناظر ماجراست خواهد شد."

او سنگسار را مجازاتی قرون وسطایی خواند که در جهان امروز جایگاهی ندارد و اینکه اجرای آن نشانگر بی اعتنائی بی پرده ایران به تعهدات بین المللی در زمینه حقوق بشر است.

پیشتر سازمان دیده بان حقوق بشرو سازمان عفو بین الملل نیز در بیانیه ای از قوه قضاییه ایران خواست که حکم سنگسار محمدی آشتیانی را لغو کند.

کمیته بین المللی علیه اعدام

۸ ژوئیه ۲۰۱۰

حکم سنگسار سکینه و احکام اعدام محمد رضا حدادی و زینب جلالیان را لغو کنید.

موجی از اعتراضات گسترده جهانی به حکم سنگسار سکینه محمدی آشتیانی، دولتها را وادار کرد به تدریج صدای اعتراض خود علیه احکام سبانه سنگسار و اعدام را بلند کنند حکومت اسلامی را زیر فشار بگذارند.

همراه با مسئول روابط خارجی اتحادیه اروپا بارونس اشتون، کنگره امریکا، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و دولتهای کانادا و انگلستان و همچنین سنای ایرلند، گوئییدو ستروله وزیر امور خارجه آلمان، روبرت ردفورد، اما تومپسون، ژولیت بینوشه و کولین فیرت اعتراض شدید خود را علیه حکم سنگسار سکینه محمدی آشتیانی، ابراز کردند.

اتحادیه اروپا از جمهوری اسلامی خواست حکم سنگسار اعدام زینب جلالیان و محمدرضا حدادی را ملغی کند.

اتحادیه اروپا مصرانه از ایران خواست اجرای حکم سنگسار يك زن را متوقف کند.

کاترین اشتون (Cathrine Ashton) نماینده عالی امور خارجه اتحادیه اروپا روز سه شنبه مصرانه از ایران خواست اعدام سه نفر، منجمله سکینه محمدی آشتیانی که به سنگسار محکوم شده است، را لغو کند.

اشتون در بیانیه ای گفت «من از ایران تقاضا می کنم این اعدام ها را متوقف و احکام صادره را تغییر دهد.» «او کشتن از طریق سنگسار را «شیوه اعدام بسیار قساوت آمیزی که معنای عملیش زجر کش کردن» متهم» است «نامید.

احکام صادره در مورد حدادی و محمدی آشتیانی «تقص آشکار» تعهدات بین المللی ایران بر طبق مقاوله نامه حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون حقوق کودک است.

لارنس کانن وزیر امور خارجه دولت فدرال کانادا ۶ ژوئیه از ایران خواست که حکم اعدام محمد رضا

خطاب به مردم شیراز! مردم آزادخواه شیراز به یاری محمدرضا حدادی خیزید و او را از اعدام نجات دهید

۱۸ تیر: جهان علیه رژیم سنگسار و اعدام!



از ایرانیان مقیم خارج و همه نیروهای سیاسی دعوت میکنیم تا در ۱۸ تیر به حکم سنگسار سکیینه آشتیانی و احکام اعدام محمدرضا حدادی و زینب جلالیان اعتراض کنند!

مردم شریف و آزاده!

هژده تیر روزی که مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی بپا خاستند فرا میرسد. در آستانه این روز رژیم اسلامی به ریسمان الهی اش اعدام و سنگسار پناه آورده است. اما از دیگر سو اکنون موج اعتراضی وسیع و جهانی علیه حکم سنگسار سکیینه محمدی آشتیانی، علیه حکم اعدام محمدرضا حدادی، کودکی که به مسلخ برده میشود، و علیه حکم اعدام زینب جلالیان

اعدام و سنگسار و قصاص باید متوقف شود و حکم اعدام محمدرضا فوراً باید لغو شود. اینرا همه جا بگوئید، همه جا بنویسید، همه جا بحث کنید. در کانون ها و کمیته هائی متشکل شوید و به مبارزه علیه اعدام برخیزید. لغو اعدام و سنگسار و قصاص یکی از خواسته های مهم انقلاب شما است. با تمام قوا این پرچم را در دست بگیرید و به یاری محمدرضا و سایر محکومین به اعدام و سنگسار بشتابید.

مینا احدی

کمیته بین المللی علیه اعدام

۱۶ تیرماه ۱۳۸۹

۷ ژوئیه ۲۰۱۰

تلفن تماس ۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳

جمهوری اسلامی بخاطر اعدام و سنگسار در تمام دنیا تحت فشار قرار گرفته است. شرایط از هر نظر مناسب است که در داخل کشور نیز فضا را بر او تنگ کنیم و نگذاریم قربانی بیشتتری از ما بگیرد. نگذاریم محمدرضا نوجوان را به قتل برساند. نگذاریم دست به سنگسار سکیینه بزند. نگذاریم حتی یک نفر دیگر را اعدام کند. جمهوری اسلامی بیش از هر زمان در محاصره گرفتار شده است. فشار بر این حکومت از هر طرف افزایش یافته است. به هر شکل که میتوانستید جمهوری اسلامی را زیر فشار بگذارید و جلو توحش آنرا بگیرید. محمدرضا میتوانست فرزند هر

طرح جدید عفاف و حجاب جمهوری اسلامی را هم در هم میشکنیم

حکومت درمانده اسلامی بار دیگر دست به اقدامات همه جانبه ای برای عقب راندن زنان و جوانان زده است. ارگانهای مختلف سرکوب و ادارات و تقریباً تمام وزارتخانه ها را بسیج کرده و به میدان فرستاده اند. طرح های مختلف دولت تا کنون شکست خورده و این بار ۲۶ وزارتخانه و سازمان دولتی یعنی از سر تا پای حکومت و وزارتخانه ها و سازمان های مختلف دولتی به خدمت گرفته شده اند. این اقدامات وضعیت رژیم را نشان میدهد که ناتوان از حل بحران عظیم اقتصادی و سیاسی، منزوی در سطح بین المللی و ناتوان از غلبه بر شکافهای رو به رشد صفوف خود، خود را درگیر

شکست دیگری برای جمهوری اسلامی در هلند:

برنامه ملاقات مسئولین خبرگزاری هلند با مسئولین صدا و سیمای جمهوری اسلامی لغو شد!

چندی پیش اطلاع یافتیم که گروهی از مسئولان صدا و سیمای جمهوری اسلامی به ریاست عزت الله ضرغامی، دوشنبه پنجم ژوئیه به هلند سفر می کنند. این سفر که با هماهنگی سفارت جمهوری اسلامی در هلند و به منظور ملاقات مسئولان صدا و سیمای با روسای رسانه های رادیو تلویزیونی هلند برنامه ریزی شده بود، بخشی از برنامه سفر مسئولین این ارگان کثیف و منفور جمهوری اسلامی به چند

دیگر رژیم هر کدام وظیفه ای به عهده گرفته اند. تصویب "طرح هسریابی ویژه دانش آموزان دختر دوره پیش دانشگاهی"، ممنوعیت استفاده از وسایل صوتی بجز رادیو توسط رانندگان تاکسی، طرح تربیت ۲۵ هزار مدرس حجاب توسط آموزش و پرورش، ایجاد دانشگاه های غیر مختلط، طرح ارتقای فرهنگ اسلامی در مهد کودکها، طرح مد اسلامی برای آرایش موی سر مردان و دهها طرح و دستورالعمل دیگر بخشی از این بسیج عمومی اوباش و قمه کشان حکومت علیه زنان و جوانان و کل جامعه است. خیل امام جمعه ها نیز بر عریده کشی های خود افزوده اند. احمد جنتی در نماز جمعه لزوم شدت عمل و استفاده از اهرم اخراج و نمره را برای تحمیل حجاب به دانشجویان به مقامات دانشگاه

کمونیست کارگری به محض اطلاع از این موضوع با ارسال یک بیانیه مطبوعاتی و نامه سرگشاده به خبرگزاریها، نهادها و سازمان های دولتی پارلمانی و حقوق بشری، شهرداریها و مقامات محلی به دعوت از نمایندگان حکومت اعدام و شکنجه و سنگسار شدیداً اعتراض کرد و خواهان انزوای جمهوری اسلامی شد.

روز پنج شنبه ۱ ژوئیه نماینده شبکه خبری NOS، طی تماسی با بهمن خانی دبیر تشکیلات حزب در هلند و با اظهار نگرانی از سازماندهی تظاهرات مقابل ساختمان آنها اطلاع داد که ملاقات با رئیس صدا و سیمای جمهوری اسلامی در هلند برگزار

تذکر داده است. درافتادن با کل جامعه برای رژیم در اوج استیصال و شکافهای درونی و بی روحیه گی نیروهایش لقمه بزرگی است که از گلویش فرو نمی رود. یک نمونه آن موضع احمدی نژاد است که چند هفته قبل عجز و ناتوانی خود را نشان داد و با اجرای این طرح مخالفت کرد و اعلام کرد که دخالت در زندگی خصوصی مردم کار دولت نیست!

زنان و مردان آزاده!

وقت آن است که همه جا با تمام قوا در مقابل این طرح ها بایستیم و شکست بزرگ دیگری به رژیم تحمیل کنیم. رژیم توان پیشبرد چنین طرحی را ندارد و باید جامعه اینرا ببیند و با اعتماد بنفس و گسترده دست به تعرض علیه آن بزند و پوزه اوباش

نمیشود. بهمن خانی در پاسخ به این ادعا درخواست کرد که رسماً و کتبا و طی یک بیانیه خبری الغای این برنامه را رسماً به اطلاع افکار عمومی برسانند. ساعتی بعد سخنگوی NOS خبر الغای این برنامه را کتبا به اطلاع بهمن خانی رساند. واحد حزب در هلند بلافاصله خبر لغو این ملاقات را به تمام شبکه های خبری هلند مخابره کرد.

لغو برنامه دیدار ضرغامی و همراهانش یک شکست دیگر برای جمهوری اسلامی است. این شکست در عین حال بیانگر موج عظیم اعتراضی علیه حکومت فاشیست اسلامی و همزمان سمپاتی و احترام

حاکم را به خاک بمالد. شکست رژیم در این عرصه، صفوفشان را بیشتر از قبل به هم میریزد و استیصالشان را بیشتر به نمایش میگذارد. خیابان و محله، کارخانه و دانشگاه، اداره و مدرسه، همه جا باید صحنه اعتراض و در هم شکستن این طرحهای ارتجاعی و جنایتکارانه باشد. این بخشی از مبارزه برای سرنگونی حکومت منحوس اسلامی است. با تمام قوا به پیش!

نه به حجاب نه به آپارتاید جنسی دست مذهب از زندگی مردم کوتاه زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ تیر ۱۳۸۹، ۸ جولای ۲۰۱۰

جهانی به مبارزات مردم ایران است که رسانه های هلند را هم مجبور به احتیاط و عقب نشینی میکند.

کمیته هلند حزب کمونیست کارگری ملغی شدن دیدار رئیس صدا و سیمای حکومت جنایتکار اسلامی، حکومت قاتلین ندا و سهراب و فرزاد و شیرین و هزاران انسان آزادخواه و برابری طلب را یک موفقیت برای مردم ایران میدان و یکبار دیگر اعلام میکند که اینها قاتلین مردم ایران هستند و نه نمایندگان مردم و بجرم سی و یکسال جنایت علیه مردم باید دستگیر و محاکمه شوند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران، هلند، ۲ ژوئیه ۲۰۱۰



کنند. آنها میتوانند سفارت خانه های حکومت اسلامی را ببندند و حکومت آپارتاید جنسیتی را محکوم کنند.

روز یکشنبه ۱۱ جولای روز جهانی علیه سنگسار است. هر جایی که هستی با چند نفر به مرکز شهر رفته و در این روز با یک اقدام مشترک به سنگسار در ایران و در دنیا اعتراض کنید. با عکس سکیه محمدی آشتیانی و شعار نه به سنگسار. ماتریال این حرکت را از ما دریافت میکنید.

با ما تماس بگیرید و ما را در پیشبرد این کمپین بزرگ همراهی کنید. تماس با مطبوعات کشور خودتان و فرستادن نامه اعتراضی به سفارت خانه های حکومت اسلامی در کشور خودتان و کمک به ترجمه و یا ارسال مطالب به رسانه ها و جمع آوری کمک مالی برای پیشبرد این اعتراضات گسترده جهانی از اقدامات مهمی است که شما میتوانید انجام دهید و همه این فعالیتها به ما کمک میکنند، جان تعداد بیشتری را نجات دهید.

دوستان گرامی! ما فرزندان سکیه دست بسوی قلبهای شما دراز کردیم و دیدیم که قلب بشریت با ما می طپد. برخلاف سکوت چندین ساله دولتها، شما به یاری مردم ایران آمیدید. کمک کنید سکیه را نجات دهیم.

مینا احدی- ۶ ژوئیه ۲۰۱۰
<http://notonemoreexecution.wordpress.com/>

شها... شهناز... حاجیه اسماعیل وند ...

هر صفحه این دفترچه تلفن را که ورق میزنم، این اسامی را می بینم و آهی میکشم و نمیخواهم این اسامی را خط زده و اضافه کنم... در تاریخ... در زندان... سنگسار شد و یا در تاریخ... در اوین اعدام شد....

من نمیخواهم اسامی این انسانهای عزیز، فعالین سیاسی و یا زنانی که هیچ کس از آنها حرف نمیزند و به اعماق جامعه تعلق دارند، را از دفتر خودم خط بزنم... و نمیخواهم این اسامی از ذهن جامعه پاک شود. من برای روزی فعالیت میکنم که این جنایات مورد بررسی دادگاههای بین المللی قرار گیرد و مسببین و مسئولین این جنایات در مقابل دادگاه قرار بگیرند...

امروز که توجه شما به این جنبش عظیم علیه سنگسار و اعدام جلب شده و از ما میپرسید چه باید بکنیم پاسخ ما این است: حکومت اسلامی ایران در مورد سکیه روز شنبه ۱۰ جولای، یک روز قبل از روز جهانی علیه سنگسار میخواهد تصمیم نهایی اش را اعلام کند. برای اینکه حکومت عقب نشینی کند و حکم سنگسار را لغو کند، باید این اقدامات را انجام دهیم.

به دولتهای کشور محل اقامت خودتان نامه داده و درخواست کنید به حکم سنگسار سکیه فوراً اعتراض کنند. معمولاً اعتراضات بین المللی از سوی دولتها و نهادهای بین المللی بسیار موثر واقع میشود. آنها میتوانند سفیر حکومت اسلامی را فراخوانده و فوراً و رسماً اعتراض

است که اتفاق می افتد.

ولی ما اخبار خوب هم داریم... ما زندگی نازنین فاتحی را نجات دادیم، افسانه نوروزی، ژیلایزدی و همین روزها علی مهین ترابی که در ۱۶ سالگی دستگیر شده و منتظر ۱۸ ساله شدن او بودند تا او را به دار بکشند...

امروز برای نجات سکیه مبارزه میکنیم. برای کسانی که در جریان این کمپین بزرگ برای اولین بار اسم کمیته علیه اعدام و سنگسار و اسم مرا شنیدند، خودم را مختصر معرفی میکنم.

من مینا احدی هستم و از ایران آمده ام. در ایران دانشجوی پزشکی بودم که خمینی و اسلامیه قدرت را گرفتند. به فرمان حکومت اسلامی مبنی بر رعایت حجاب گردن نگذاشتم و از دانشگاه اخراج شدم. من به فعالیت علیه قوانین و حکومت اسلامی رو آوردم و یکسال بعد از اخراجم از دانشگاه بدلیل فعالیت سیاسی، خانه ما مورد حمله پاسداران قرار گرفت و هنگامی که سر کار بودم همسر و پنج مهمان خانه ما دستگیر شدند. چهار مرد و از جمله همسر من یک ماه بعد در سال ۱۹۸۰ اعدام شدند. در زن دستگیر شده را آزاد کردند.

من از همان سالها علیه اعدام و سنگسار فعالیت میکنم. دفترچه خاطرات من، بیوگرافی من و کتابم که در آلمان در سال ۲۰۰۷ منتشر شد به اسم "من از مذهب رویگردانم" فقط زندگی من نیست در همان کتاب سرگشت ۱۳ نفر محکوم به سنگسار را نوشته ام و سرگذشت کودکان محکوم به اعدام و همچنین زندگی نازنین فاتحی که از اعدام نجات یافت و با دسته گل مردم به استقبال او رفتند و یا زندگی افسانه نوروزی که با تلاشهای جهانی او را از مرگ نجات دادیم و یا زندگی عبدالله فریور معلم جوانی از شمال ایران، که حکم سنگسار به اعدام تخفیف یافت و متأسفانه او را کشتند.

در دفترچه تلفن من این اسامی را به وفور می بینید... ماکوان مولودی، همجنسگرای ایرانی که اعدام شد، کبرا رحمانپور، زن جوانی که در یک خانه کار میکرد و به او تجاوز شده بود، به اتهام قتل میخواهند او را اعدام کنند، شها جاهد و یا فرزاد کمانگر فعال سیاسی محبوب و معلم دلسوز از کردستان ایران که اخیراً اعدام شد مریم ایوبی ...

سخنی با شما!

ما میتوانیم سکیه را نجات دهیم!

این احساس دوگانه را در مورد سکیه هم دارم پیدا میکنم. آیا از او هم فقط اسمی و شماره تلفنی باقی میماند، یا اینکه نجاتش میدهیم؟ دفترچه تلفن من با اسامی زیادی عجین شده است. اسامی کودکان محکوم به اعدام که تلفنهایشان را نوشته ام، اسامی محکومین به سنگسار و اسامی کسانی که اعدام شدند و رفتند... سنگسار شدند و زجر کش اشان کردند...

این نوشته در حقیقت یک درد دل با کسانی است که امروز توجه اشان به خبر "احتمال سنگسار شدن یک زن" در ایران جلب شده است. و من نامه های فراوانی گرفته ام که "آیا در این دنیا چنین چیزی ممکن است!" با من به دنیای کودکان محکوم به اعدام، زنان قربانی سنگسار و قوانین وحشیانه اسلامی و به دنیایی بیایید که در آن یک حکومت اسلامی، چندین میلیون نفر را به گروگان گرفته و زندگی را بر آنها جهنم کرده است...

هر بار که با کودکان محکوم به اعدام در زندانها حرف میزنم، هر بار که صدای جوان محکوم به اعدامی را می شنوم که میگویی "خاله ممکنست همین روزها اعدام شوم..." هر بار که با فرزندان محکومین به اعدام از طریق تلفن، آخرین ملاقات با مادرشان را همراهی میکنم و هر بار که نیمه شبهای روزهای سیاه چهارشنبه که روز اعدامها در ایران است، از خواب بلند شده و همراه خانواده کسانی که اعدامشان میکنند، گریه میکنم و آنها را دلداری میدهم، از من قبول کنید با هر سنگسار شدن یک زن، تکه ای از قلبم زیر سنگها مدفون میشود.... با اعدام هر کودکی که صدایش را شنیده و به درد دل او گوش داده ام، گوشه ای از قلبم زیر خاک مدفون میشود... و من هم بارها از خودم میپرسم، آیا خواب نمی بینم. آیا این وقایع در دنیای مدرن و پیشرفته امروز اتفاق می افتد؟ چرا؟ و مهمتر از آن چه باید کرد؟

متأسفانه این اخبار واقعی است. در بخشی از دنیا جنبش اسلامی و اسلام سیاسی با سنگسار و اعدام صدها و هزاران نفر، مردم را میترساند و حکومت میکند... این کنه واقعه ای

امروز از ایران خبر رسید که حکومت اسلامی، تصمیم گیری در مورد مرگ و زندگی سکیه را به روز شنبه ۱۰ ژوئیه موکول کرده است. خبر اعتراضات جهانی و همچنین ارسال هزاران نامه اعتراضی خطاب به مقامات حکومت اسلامی واقعه ای است که وادارشان میکنند، در مورد سنگسار سکیه، یک بررسی مجدد انجام دهند.

سکیه محمدی آشتیانی را به "اتهام" رابطه جنسی خارج از ازدواج دستگیر کرده و میخواهند او را با پرتاب سنگ زجرکش کنند. برای فرزندان او که پنج سال است از راههای مختلف برای نجات مادرشان تلاش میکنند، وقتی خبر رسید که همه راههای قانونی بسته شده و مادرشان هر لحظه ممکنست سنگسار شود، راه دیگری نمانده بود بجز دست یاری بسوی مردم دنیا دراز کردن.

و شما مردم آزادیخواه و انساندوست، متحدانه به پا خاستید و در ابعادی گسترده و جهانی به این حکم اعتراض کردید.

در مورد سکیه رسانه های بسیار مهم بین المللی نوشتند، عکس او را در دنیا پخش کردند و نگاهها بیش از پیش به سوی مردم ایران و در عین حال قوانین ظالمانه و ضد انسانی و زن ستیزانه حکومت اسلامی جلب شد.

تصور کنید زنی را با دو بچه، پنج سال در زندان نگه داشته و جلوی چشم پسرش سجاد به او ۹۹ ضربه شلاق زده اند و اکنون میخواهند او را سنگسار کنند، به چه دلیل؟ به "اتهام" اینکه رابطه جنسی خارج از ازدواج داشته است. این بربریت کامل است و باید یک پاسخ محکم از دنیا بگیرد.

امروز صبح در بسیاری از کشورها، روزنامه های سراسری به زبانهای مختلف، خبر احتمال سنگسار شدن سکیه را چاپ کرده اند، با عکس سکیه و در بسیاری موارد اسم مرا هم ذکر کرده اند. منطقاً شدن اسم من با اسامی محکومین به اعدام و سنگسار و به نوعی عجین شدن احساسات و عواطف من با احساسات این قربانیان، موقعیت ویژه ای در زندگی من فراهم کرده است.